



رفیق نور احمد نور

زنده‌گی‌نامه، تصاویر، بیانی‌ه‌ها و مقالات

تهیه و تنظیم:
بهمن آرام

رفیق

نور احمد نور

زنده‌گی‌نامه، تصاویر، بیانیہ‌ها و مقالات

تہیہ و تنظیم:

بہمن آرام

عنوان کتاب: رفیق نور احمد نور

تہیہ و تنظیم: بہمن آرام

ناشر: نویسندہ

سال انتشار: ۲۰۲۵

محل انتشار: آمستردام

شمارہ چاپ: اول

تعداد صفحات: ۱۹۰

تیراژ: ۱۰۰ جلد

چاپخانہ: Pixel home

سخنی با خواننده

تولد تا شرکت در حاکمیت سیاسی.....	۱
تبعید اول ۵ ژوئیه ۱۹۷۸.....	۵۳
تبعید دوم ژانویه ۱۹۸۴.....	۱۳۵
تبعید سوم ۱۶ مارس ۱۹۸۸.....	۱۷۵
مهاجرت ۸ سپتامبر ۱۹۹۴.....	۱۷۹

سخنی با خواننده

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از زنده‌گی‌نامه، مقالات، سخنرانی‌ها و تصاویر رفیق "نوراحمد نور" که از منابع مختلف جمع‌آوری شده است. مقالات این مجموعه عمدتاً از نشریه "پرچم" و تصاویر از نشریه "حقیقت انقلاب ثور" گرفته شده است و بدین وسیله از تمام کسانی که زحمت کشیده و این نشریات را به‌طور دیجیتال و رایگان در اختیار عموم قرار داده‌اند سپاس‌گزاری می‌گردد.

اما به علت عدم دسترسی به منابع کافی، نواقص بسیاری در این مجموعه وجود دارد که سعی خواهد شد با همکاری شما خواننده گرامی، این نواقص در چاپ بعدی برطرف گردد.

مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند دارای نواقصی باشد، تاریخ ذکر شده برای هریک از وقایع است. سال، ماه و روز هریک از وقایع دارای اهمیت ویژه‌ای است که باید به‌طور دقیق بیان گردند.

مورد دیگر، تصاویری است که اطلاعاتی در مورد زمان، مکان و موضوع آنها در دسترس نبوده و به همین علت دارای توضیح نیست. چنانچه اطلاعاتی در این موارد حاصل گردد، این نواقص هم در چاپ بعدی برطرف خواهند گردید.

همچنین، تصاویر بسیاری از نشریات قدیمی برداشته شده که دارای کیفیت مناسبی نیستند. چنانچه این تصاویر با کیفیت بهتری در دسترس قرار گیرند، در چاپ بعدی جایگزین خواهند شد.

بهطور کلی، هر گونه اطلاعاتی از سوی شما خواننده عزیز که بتواند گوشه‌ای از نواقص این مجموعه را برطرف سازد، موجب مسرت و امتنان خواهد بود و پیشاپیش از همکاری شما سپاس‌گزاری می‌گردد.

بدیهی است تمام مواضع سیاسی مندرج در این کتاب متعلق به نویسنده است و هیچ ارتباطی به مواضع سیاسی رفیق "نور" ندارد.

بهمن آرام

هلند، دسامبر ۲۰۲۵

bahmanaram@hotmail.com

تولد تا شرکت در حاکمیت سیاسی

رفیق "نوراحمد نور" در ۲۴ ژوئیه ۱۹۳۷ در قریه "صالحان" ولسوالی "پنجوائی" در ولایت "قندهار"، در جنوب غربی شهر "قندهار" در افغانستان و در خانواده‌ی "عبدالستار خان"، یکی از زمین‌داران بزرگ آن منطقه متولد می‌گردد.

خانواده‌ای که از یک سو، ۸ نسل قبلی‌شان به برادر "احمد شاه درانی" برمی‌گردد. "احمد شاه درانی" پس از مرگ "نادر شاه افشار" حاکمیتی مستقل در افغانستان ایجاد می‌کند؛ و از سوی دیگر از ۴ نسل قبل و از همان ابتداء حضور سرمایه‌های غارتگر انگلستان در این منطقه، به مقاومت علیه سرمایه‌داران جنایتکار انگلستان برخاسته است.

مخالفت با دست‌نشاندهگان انگلستان در افغانستان تا بدان جا می‌انجامد که "امیر عبدالرحمان خان"، حاکم دست‌نشانده‌ی انگلستان در افغانستان، پدر پدربزرگ رفیق "نور"، یعنی "عبدالصمد خان" را نابینا می‌سازد و وی را با ۳ برادر دیگر و به همراه خانواده‌های‌شان به هندوستان تبعید می‌کند و

زمین‌های‌شان نیز توسط سائر زمین‌داران تصاحب می‌گردد.

"عبدالستار خان" نوهی "عبدالصمد خان" و پدر رفیق "نور" در سال ۱۸۸۶ در هند متولد می‌شود و در سال ۱۹۱۰ به افغانستان بازگشته و بخشی از زمین‌های اجدادی‌اش را بازپس می‌گیرد. وی هم مانند نیاکان‌اش، علیه سرمایه‌های انگلستان به مبارزه می‌پردازد.



به همراه برادران‌اش

رفیق "نور" در سال ۱۹۴۴ وارد لیسه‌ی "حبیبیه" شهر "کابل"، پایتخت افغانستان، می‌شود و در سال ۱۹۵۷ تحصیلات‌اش را به پایان رسانده و در سال ۱۹۵۸ وارد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی "دانشگاه کابل" شده و در رشته‌ی روابط بین‌الملل به ادامه‌ی تحصیل می‌پردازد.

در سال‌های ۱۹۵۰ و اوائل ۱۹۶۰ محافل مارکسیستی - لنینیستی در افغانستان شکل می‌گیرند و از آن جایی که دانشگاه مرکز علم است و نگرش علمی، تنها ابزار درک قانون‌مندی‌های تکامل اجتماعی است، رفیق "نور" با آشنائی با این محافل و در ابتداء سنین جوانی دچار تحول ایدئولوژیک می‌شود؛ از طبقه‌ی خودش، یعنی طبقه‌ی فئودال‌ها، طبقه‌ی زمین‌داران بزرگ افغانستان که در آن زمان طبقه‌ی حاکم هم هستند، جدا می‌شود و به خدمت محکومان جامعه، یعنی کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان شهر و روستا در افغانستان و به‌طور کلی، به خدمت توده‌های محروم و ستم‌دیده‌ی افغانستان در می‌آید.

رفیق "نور" پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۹۶۱ در ماه نوامبر همین سال در شعبه‌ی آرشیو وزارت امور خارجه‌ی افغانستان مشغول به کار می‌شود تا این که در ماه سپتامبر ۱۹۶۲ به خدمت سربازی می‌رود و به عنوان محصل مکتب ظابطان احتیاط در منطقه‌ی "بالاحصار" شهر "کابل" مشغول خدمت می‌شود و در همین دوره در ماه اوت ۱۹۶۳ عضو یکی از حوزه‌های قبل از تاسیس "جریان دمکراتیک خلق افغانستان" می‌شود.



رفیق "نور" از ماه اکتبر ۱۹۶۳ با درجه‌ی دریم بریدمن در غند (۷۲) فرقه (۸) پیاده در منطقه‌ی "قلعه جنگی" شهر "کابل" خدمت کرده و در ماه مارس ۱۹۶۴ با درجه‌ی دوهم بریدمن احتیاط خدمت سربازی را به پایان می‌رساند و بلافاصله مجددن به کار قبلی خود در وزارت امور خارجه افغانستان باز می‌گردد.

در این زمان پدر رفیق "نور" از سوی سائر هم‌طبقه‌ای‌های‌اش، یعنی افراد طبقه‌ی حاکمه در افغانستان تحت فشار قرار می‌گیرد که پسر تو کمونیست شده و علیه ما مشغول فعالیت است و این وظیفه‌ی توست که این مسئله را حل کنی.

"عبدالستار خان" این موضوع را با پسرش رفیق "نور" مطرح می‌سازد و رفیق "نور" جهت رهایی پدرش از این مخمصه، با نوشتن متنی برای پدرش اعلام می‌کند که دیگر هیچ تعلق‌ی به خانواده‌ی "عبدالستار خان" ندارد و هیچ ادعای مالکیتی هم بر اموال این خانواده ندارد. سپس با چشم‌پوشیدن از رفاه زنده‌گی خانواده‌گی، در اتاقی محقر در شهر "کابل" زنده‌گی مستقل

خویش را آغاز می‌کند. وی با انتخاب نام فامیلی "نور"، رسمن به طبقه‌ی خود پشت می‌کند و بدین ترتیب گام مهمی را در مسیر زنده‌گی انقلابی‌اش برمی‌دارد.

"عبدالستار خان" به خوبی می‌داند که مسیری که رفیق "نور" در پیش گرفته، علیه منافع طبقه‌ی حاکمه و بالطبع علیه منافع پدرش می‌باشد، اما به خاطر صداقتی که در پسرش می‌بیند همواره از وی حمایت می‌کند تا جایی که بسیاری از جلسات مخفی "جریان دمکراتیک خلق افغانستان" در منزل "عبدالستار خان"، یکی از بزرگترین فنودال‌های افغانستان تشکیل می‌گردند.

رفیق "نور" در ماه نوامبر ۱۹۶۴ از سوی حوزه‌ی محل فعالیت‌اش به عنوان نماینده، جهت شرکت در کنگره‌ی موسس "جریان دمکراتیک خلق افغانستان" انتخاب می‌شود و به عنوان جوان‌ترین عضو کنگره‌ی موسس در اول ژانویه ۱۹۶۵، افتخار بعدی را نصیب خود می‌سازد.





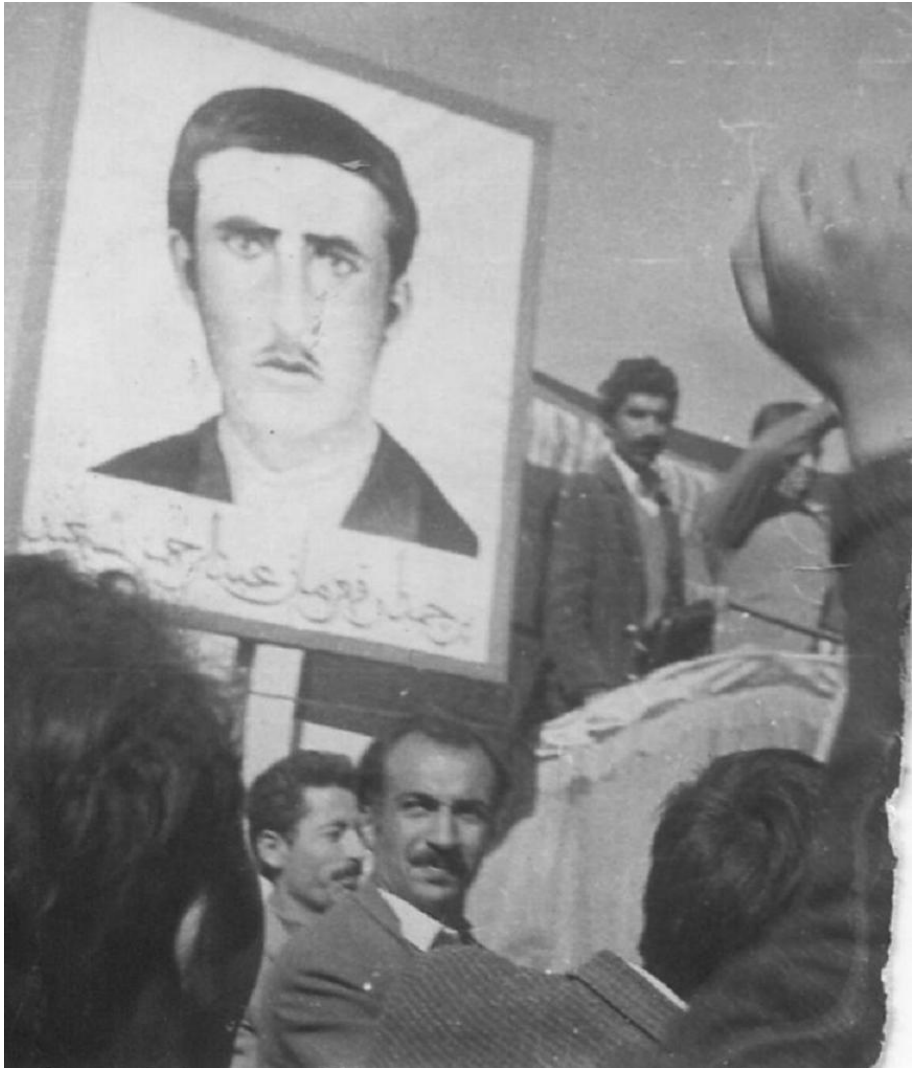
نخستین کنگره جریان دموکراتیک خلق افغانستان اول ژانویه ۱۹۶۵



رفیق "نور" در ماه ژوئن ۱۹۶۵ به عنوان کاندیدای مردم ولسوالی "پنجوائی"، جهت شرکت در مبارزات انتخاباتی دوره‌ی ۱۲ پارلمان افغانستان از وزارت امور خارجه استعفاء می‌دهد و در سپتامبر ۱۹۶۵ به همراه "آناهیتا راتبزاد"، "ببرک کارمل" و "فیضان‌الحق فیضان"، فراکسیون "جریان دموکراتیک خلق افغانستان" را در پارلمان افغانستان تشکیل می‌دهند.



رفیق "نور" در ماه مه ۱۹۶۶ به عنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی "جمعیت دمکراتیک خلق افغانستان" و در ماه نوامبر همان سال به عنوان عضو اصلی کمیته مرکزی انتخاب می‌شود.



روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۶ هنگامی که "ببرک کارمل" در مورد جزئیات بودجه وزارت دربار در حال سخنرانی است وکلای طبقه‌ی حاکمه در پارلمان افغانستان، این کار را مداخله در امور سلطنت تلقی کرده و به "ببرک کارمل" حمله می‌کنند و هنگامی که رفیق "نور" به دفاع از وی برمی‌خیزد یکی از این نماینده‌گان به نام "غلام ربانی"، وکیل ولسوالی "بالامرغاب" ولایت "بادغیس"، با میکروفون بر سر رفیق "نور" می‌کوبد که باعث بی‌هوشی وی شده و رفیق "نور" به همراه "آناهیتا راتبزاد" و "ببرک کارمل"، که آن‌ها نیز مجروح شده بودند، چند روزی در شفاخانه "ابن‌سینا" بستری می‌گردد. در اعتراض به این حمله، تظاهراتی در مقابل شفاخانه "ابن‌سینا" در شهر "کابل" برگزار می‌شود و "آناهیتا راتبزاد" با سر و دست باندپیچی شده از بالکن بیمارستان برای جمعیت سخنرانی می‌کند.

پس از این واقعه، یکی از سران طبقه‌ی حاکمه به "عبدالستار خان" پدر رفیق "نور" می‌گوید که پسر تو نباید از "ببرک کارمل" دفاع می‌کرد و بدین ترتیب مورد حمله قرار می‌گرفت و پدر رفیق "نور" در پاسخ می‌گوید که "نور احمد" پسر من نبود، اگر به حمایت از رفیق‌اش بر نمی‌خاست

رفیق "نور" در طی فعالیت پارلمانی‌اش بارها به سیاست‌های دولت افغانستان انتقاد می‌کند.

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهارم

پنج‌شنبه

۱۵ حمل ۱۳۴۷

۴ اپریل ۱۹۶۸

کارگران کشور بیکاراند!

چهره خوفناک بیکاری زندگی ملیونها نفر کارگران و زحمتکشان کشور ما را تهدید می‌کند

بیکاری ملیونها هموطن ما ناشی از جهات منفی سیاست اقتصادی دولت و کندی آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ کشور است. بحران بیکاری در شهر و ده به اندازه‌ای بسط و توسعه یافته که مقامات دولتی نیز ناگزیراند به آن اعتراف کنند.

هرگاه ملیونها زن و مرد مستعد بکار که در رشته‌های غیرتولیدی و بصورت بیکاری‌های مزمن دائمی و فصلی و غیرفعال حیات بسر می‌برند مورد بحث علیحده قرار دهیم، هم‌اکنون صدها هزار نفر دهقان و کارگر در شهر و ده بیکارند. تنها در حدود هشتاد هزار کارگر ماهر و نیمه‌ماهر از رشته‌های مختلف پروژه‌های پلان دوم، بیکار مانده‌اند.

جالب‌توجه اینست که علی‌رغم بحران بیکاری مشهود در کشور که ناشی از وجود یک نظام کهنه و اقتصاد کوچک و ناتوان افغانستان میباشد، باز هم مقامات دولتی افغانستان داد سخن از پیشرفت و ترقی کشور و ارتقای سطح حیات مردم میزنند و گزارشهای پرطمطراقی را از دستگاه تبلیغاتی دولت پخش می‌نمایند. آیا این وضع تا کدام وقت دوام خواهد کرد؟

با این که مقامات رسمی دولت جبرا به بحران بیکاری اعتراف می‌نمایند، لیکن میخواهند چنین وانمود کنند که گویا این بیکاری صرف محصول

افزایش نفوس و عدم قدرت مالی دولت در ایجاد مؤسسات انتفاعی و طرح پروژه‌های بزرگ و عدم سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و در نتیجه، یک امر طبیعی کشورهای کم‌رشد است.

علت اصلی و واقعی بیکاری در کشور، همانا عبارت از وجود روابط پوسیده اقتصادی، اجتماعی است که محافل حاکمه کشور به حفظ و بقای آن علاقمندانند.

وقتی که دولت قسمت عمده بودجه را بی‌رحمانه حیف‌ومیل کند، صدها میلیون افغانی آنرا بجای آنکه صرف امور تولیدی و بخصوص صنایع نماید، در خرید وسایل بی‌لزوم از قبیل موترهای مدل سال ... و ده‌ها قلم مخارج زائد اداری اختصاص دهد، وقتی که سرحدات کشور را بروی اموال خارجی توأم با اعلانات رنگین باز گذارد و صنایع ناچیز کشور را در خطر ورشکستگی قرار دهد و دست ده‌ها هزار کارگر از کار گرفته شود، زمانی که فقر سیاه کشنده در دهات کشور، ده‌ها هزار دهقان را بسوی شهرها بکشاند، بدون اینکه کاری هم برای آن‌ها تأمین شده باشد، وقتی دولت برای یک لحظه هم در فکر ایجاد کار برای زحمتکشان نباشد، مسلم است که هیولای بیکاری روزبروز مردم وطن ما را در وحشت نگاه میدارد و کشور را به بحرانی عظیم مواجه میسازد.

از یک سو بیکاری و از سوی دیگر بلندرفتن روزافزون قیمت‌ها، زندگی ملیونها زحمتکش وطن را بطور بی‌سابقه‌ئی مورد تهدید مرگ قرار میدهد. قابل غور است که حتی "مقامات مسئول" راجع به مسأله رفع بیکاری (در پلان سوم) اقدام عملی مؤثری را مطرح بحث قرار نداده‌اند.

تجربه مبین این حقیقت است که تنها یک اقتصاد سالم و مترقی و ملی میتواند برای همه مردم کار ایجاد کند و برای اشتغال بیکاران پلان عملی طرح نماید. ولی در چهارچوب اقتصادی که ملاکان فئودال و تاجران بزرگ دلال داخلی و تاجران خارجی و نمایندگی‌های انحصارات کشورهای

سرمایه‌داری چون گران در رمه آزاد گذاشته شوند و هدفشان غارت مردم و منابع و ثروتهای طبیعی وطن ما باشد، طبیعیست که رفع بیکاری صدها هزار کارگر و زحمتکش کشور مورد بحث قرار گرفته نمیتواند.

بیکاری در کشور بصورت عام در تمام طبقات و قشرهای زحمتکش اجتماعی وجود دارد. کارگران صنعتی و ساختمانی داد از بیکاری میزنند، اهل کسبه و پیشه‌ور بنا بر کساد بازار بیکاراند، دکانداران بیکاراند، دهقانان بیکاراند، زنان بیکاراند، مأموران بیکاراند، حتی تحصیل‌کردگان بیکاراند، بیکاری و همه‌جا بیکاری چون طاعون شیوع دارد. ملیون‌ها نفر در کشور بیکار هستند. شاید خود آنها و یا عوامفربیان محافل حاکمه و دروغگویان علم‌باف اقتصاد بورژوائی مدعی شوند که اشخاص شامل کار در کشور به ملیونها می‌رسد (این آقایان در جدول بیلاس قوای بشری افغانستان طی پلان سوم چنین ادعای نادرستی کرده‌اند).

بحران بیکاری که محصول مستقیم کندی آهنگ رشد اقتصادی کشور است با تمام فشار زحمتکشان کشور را شکنجه میدهد.

باید خاطر نشان ساخت، کسانی که به اصطلاح مشغول کارند بنا بر عدم تناسب بین عواید آنها و گرانی قیمت‌های مواد اولیه زندگی با فقر و گرسنگی دچاراند، اکنون فکر کنید زندگی کسانی که کار و دستمزدی بقدر بخورونمیر هم ندارند، چه خواهد بود؟

روی همین حقایق تلخ و جان‌گداز است که باید کارگران و زحمت‌شان بیکار و کاردار وطن ماهیت ستمگرانه طبقات حاکمه کشور را درک کنند و فریب تبلیغات دروغین این و آن را نخورند. با هم متحد شوند، اتحادیه‌های کارگری خود را تشکیل دهند و بصورت متشکل از حقوق صنفی، اقتصادی و سیاسی خویش دفاع نمایند.

نور احمد

(وکیل پنجوائی قندهار)

پرچم

ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نهم

دوشنبه

۱۶ ثور ۱۳۴۷

۶ مه ۱۹۶۸

ولی د قاچاق مخنیوی نه کیږي؟

په اصطلاح د قاچاق د انسداد د اوږدو او سوږورو تشکيلاتو باوجود او پدی لار کی د بودجی د زیاتو لگښتونو سره سره بیا هم نه یوازی د کابل، ننگرهار، کندهار، پکتیا او هرات او د هیواد د ټولو برخو بازارونه په قاچاقی مالونو ډک دی، بلکه زمونږ د اړتیاوړ په لس هاوو قلمه مالونه چه پخپل هیواد کی لاس ته راځی د تاریخی آثارو او قیمتي ډبرو په گډون له هیواد نه په گریزی توگه د باندی وزی - او د مالونو له دې پی جلبه وتو او راننوتو نه د هیواد خارجی تجارت او ناتوانه اقتصاد ته سخت تاوان ور اوږیر.

دا خبره لکه لمر روښانه ده چه د لاجبرو قیمتی او نایابه ډیری له هیواد نه د غلا او قاچاق په توگه ایستل کیږی او له دی لاری نه په ملیونو افغانی چه د افغانستان د خلکو شتمنی ده د یو شمیر قاچاقچیانو دلالانو او دهغوی د حامیانو او د امپریالستی انحصاراتو له خوا لوټ کیږی.

زمونږ د هیواد مهم پیداوار لکه پسونه، غلی او نور غذایی مواد چه زمونږ خلک کلکه اړتیا ورته لری له هیواد نه د غلو په لاس ایستل کیږی. او همدا راز یوه برخه وارداتی مالونه چه د پیاوړو اسعارو د ادا کولو په مقابل کی لاس ته راځی بېرته په قاچاقی توگه له هیواد نه وزی.

هيواد ته د قاچاق مالونو د راننوتلو بهير تر دې اندازې پياوړې او دوامې دى چه اوس گواکې لکه په يوه طبيعي جريان بدل شوى وى، د افغانستان د چارو متصديانو داسې د هغه په مقابل کې غلې او بې حساسيته دى لکه چه پخپله د دى جريان د ساتلو وظيفه ولري. د پاکستانى سگروتو سل هاوو زره قطى چه د خلکو روغتيا ته تر هرو نورو سگروتو زيات تاوان رسوى، پرته د هر راز حق الانحصار او مالياتو او د گمرکې محصول او عوارضو نه په آزاده توگه د افغانستان په هر ځاى او هر وخت کې خرڅېرى، په مليونو متره نخى او سنډى ټوکړان او ټول مصرفي اجناس په بازارونو او حتی د هيواد په ډيرو لري گوتونو کې عرضه کېږي.

سرايونه، بازارونه او مغازى د ډيرو بد کيفيته غيرضرورى مالونو څخه چه په ظاهر کې غولونکى دى لکه پلاستيکى شيان، د اطفالو لوبغالى، ژاولى، مړى... او نور دک شويدير او دا ټول په قاچاقى توگه واردېږي.

يوه زمانه د آسيايې او افريقايې هيوادونو استعمار د لويديځې اروپا د هيوادونو له خوا په همدې طريقه شروع شو. هغوى به خپل اضافه توليدشيان چه په ظاهر کې به نښايسته ښکارېدل دى هيوادونو ته د غولولو او لوتمارى لپاره راوړل او د دى هيوادو په ځينو کې بې له دى لارى نفوذ وکړ او په نتيجه کې بې هغوى تر استعمار لاندې راوستل. حتى په ډېره فجيعة او وحشيانه توگه بې د توربوستکو په تجارت (دغلام په توگه) لاس پورې کړل او دانسان د رانيولو په بدل کې بې، ژاولى ټ هيندارى، مړى، شراب او ترياک ورکولېږ.

اوس چه د افغانستان بازارونه پراخېدونکى دى له دې وضعې نه د نوى استعمار او امپرياليزم په گټه هغه هم د هغو هيوادونو له لارى چه پخپله له امپرياليزم سره بشپړ سياسى او اقتصادى تړون لري (پاکستان، ايران) د حريصو قاچاقچيانو او داخلي دلالانو او ځينو ار تجاعى محافلو په وسيله او مرسته استفاده کېږي او ټکل کوى چه زمونږ تړون له امپرياليزم او د هغه تر نفوذ لاندې اقتصادونو سره لا زياتشى.

آيا حكومتي مسئول (!) مقامونه متوجه شويدي چه څومره سره زر د انگليسي پوندونو او ايراني پهلوي په شكل په تور بازار كې له يوه لاس نه بل ته ځي، آيا دال ه كومي لاري را ننوزي؟ په هيواد كې د سرو زرو او تريكو قاچاق د سترو داخلي او بين المللي قاچاقچيانو لپاره ډېره برکتی حرفه (!) گرزیدلی ده.

دغو غلو د قاچاقی راکړی ورکړی په وسیله د افغانستان د خلکو ټول جیبونه تش کړیدی. سلگونه کیلو سره زر په بیلو بیلو ذریعو د طلا د قاچاق د مخصوص واسکت نه نیولی د پرزو تر اشکالو پوری او د موټرونو په پرزوکې د هغو دخوندي کولو تر پولي د سرمایه داری هیوادونو د قاچاقچی عمالو او بانډونو (ډلو) او د هغوی د پیاوړو داخلي ملاتړو په واسطه افغانستان ته راځي او له دې لاری نه د هند نه نیولی د آسیا تر جنوب ختیځ پوری وړل کېږي.

هر چا ته ښکاره ده چه د سرمایه داری هیوادونو سرمایه داری نمایندګی د خپلو نورو چپاولونو په اړخ كې د قاچاق په ګټندوی کار هم لګيا دی او بیا په تیره د دی نمایندګیو ځینی د بین المللي قاچاقچیانو نمایندګی هم کوی او د هیواد په اداری دستگاه او حاکمه محافلو كې داسی نفوذ او تسلط لری چه په آزاده توګه عمل کوی.

دلته پوښتنه پیدا کېږي چه نو ولی د قاچاق مخنیوی نه کېږي؟ ځواب ښکاره دی. پداسی حال كې چه متنفذین او عالی رتبه مامورین پخپله په قاچاقی معاملو مشغول وی او د قاچاق له بین المللی بانډونو سره رابطه ولری او د دوی تر سیوري لاندی ستر او خطرناک قاچاقچیان په آسوده ذهن او خاطر دی خائنانه کار ته دوام ورکړی اوله مجازاتو او پوښتنی نه حتی یوه کوچنی ویره هم ونلری نو څنگه کیدی شی چه د قاچاق د هیواد وړاندوونکی سیلاو مخه به واوړی او د هیواد بیوزلی خلك به له دی طاعون نه خلاص شی.

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره یازدهم

دوشنبه

۳۰ ثور ۱۳۴۷

۲۰ مه ۱۹۶۸

مارش ظفرنمون کارگران - سیاست دفع‌الوقت حکومت

هیات حاکمه کشور از آزادی و دموکراسی و بیداری شعوری خلقهای
افغانستان میترسند!

"متن استیضاح نوراحمد وکیل پنجوایی قندهار از حکومت"

موضوع اول استیضاح عبارت است از اعتصاب، تظاهرات و مارش کارگران تفحصات پترول شبرغان. مارش مسالمت‌آمیز و قانونی توام با انضباط آهنین کارگران تفحصات پترول شبرغان، مایه افتخار خلق کارگر افغانستان و یکی از حوادث مهم اجتماعی و سیاسی کشور محبوب ماست.

نخستین خصوصیت این مارش تحمل، تصمیم، استقامت شکست‌ناپذیر و اتحاد مستحکم کارگران وطن ماست که نشان می‌دهد مردم کشور ما از دموکراسی دفاع می‌کنند و تصمیم دیموکراسی خواست مبرم خلق افغانستان است. این مارش قهرمانانه کارگران به تلفیات و حرفهای مرتجعین که گویا افغانستان استعداد هضم دموکراسی را ندارند و دموکراسی موجب هرج و مرج می‌گردد، جواب دندان‌شکن داد.

اکنون حکومت شاغلی اعتمادی در پیشگاه قضاوت عامه قرار دارد که آیا به خواسته‌های قانونی، مسالمت‌آمیز و دموکراتیک و مطالبات اقتصادی کارگران تفحصات پترول شبرغان جواب مثبت می‌دهد و یا همچنان مثل حکومت‌های سلف خود جواب کارگران را با طرد از کار، گرفتاری، توقیف، حبس، شکنجه و حتی خون و آتش می‌دهد؟

ما معتقدیم هرگاه حکومت جواب قانونی و مثبت به کارگران ندهد و به مطالبات اقتصادی آنان جواب مثبت داده نشود، در حقیقت حکومت از یک طرف به یک اقدام افتخار آمیز کارگران کشور، که افتخار خلق افغانستان است، لطمه عظیم وارد میکند و از جانب دیگر این خود حکومت است که با اتخاذ روش استبدادی در برابر خواسته‌های حداقل خلق کارگر کشور، باعث اخلال نظم عامه میگردد.

قرار آخرین اطلاع، نمایندگان حکومت، آمرین ژاندارم و پولیس رویه ضدکرامت انسانی و ضدقانونی را علیه کارگران وطن پرست تفحصات پترول شبرغان، چه در طی مارش و چه اکنون که در دهنه غوری محاصره میباشند، راه انداخته‌اند. نمایندگان محلی حکومت سعی کردند که از طریق تطمیع و حتی بشکل بیشرمانه با رشوت‌دادن به کارگران وحدت آن‌ها را از هم بپاشند. وقتی اتحاد آهنین کارگران باعث یاس نمایندگان حکومت گردید، دست به تهدید و لتوکوب زدند. عقل سلیم حکم مینماید که باید هیات فوق‌العاده‌ای که حداقل روش انسانی داشته باشد، بحضور کارگران فرستاده شده و با تضمین فوق‌العاده‌ای که باعث اطمینان کارگران باشد به مطالبات اقتصادی و صنفی آنان تن در دهد. زیرا مشکل است که کارگران اطمینان کنند که بعد از ختم مارش با همه دسایس استبداد سیاه که تاریخ این کشور به آن‌ها آموخته است، مواجهه نگردند.

در خاتمه استیضاح اول، جدا خاطر نشان میگردد که خواست ضروری و میرم کارگران افغانستان است تا هر چه زودتر قانون کار و کارگر، به نفع طبقه کارگر و بر مبنای اصول مترقی و دموکراتیک وضع و در معرض تطبیق قرار گیرد.

ما اکنون انتظار داریم که شاغلی اعتمادی صدراعظم موقوف و تصمیم حکومت خویش را در برابر این مارش پرافتخار کارگران تفحصات پترول شبرغان توضیح نمایند.

موضوع دوم استیضاح روی مسایل عمومی و حاد کشور:

نکته مهمی که در محافل سیاسی افغانستان مطرح بحث است، همانا مسئله نقب‌گزاری در برابر قانون اساسی و بخصوص علیه یک سلسله آزادیهای محدود از قبیل آزادی نیم‌بند مطبوعات و اجتماعات است، که درین اواخر در کشور جوانه زده است و به اصطلاح، گویا شاغلی اعتمادی از خود یکنوع تحمل در زمینه نشان داده است! و محافل سیاه ارتجاعی راست افراطی در هیأت حاکمه دولت و هم در حکومت دست به انواع تخریبات، توطئه و تفتین میزنند. مثل اینکه برای این آقایان دموکراسی دشمن عمده و حیوانیست که آنها را خواهد بلعید.

آیا شاغلی اعتمادی طبق وعده که در خط مشی خویش داده بودند که در برابر جریانات سیاسی بیطرف خواهند بود و طبق قانون حرکت خواهند کرد، مطمئن استند که این روش از طرف تمام اعضای حکومت‌شان و اداره در افغانستان تطبیق می‌گردد؟

محافل سیاسی کشور تبصره مینمایند که تمام اعضای حکومت در این امر متجانس نیستند، یعنی در حکومت بسیارند کسانی که در برابر آزادی‌های دموکراتیک افراد و دموکراسی حساسیت مزمن دارند و برای‌شان قابل‌هضم نیست و ماهرانه به اتفاق ارتجاع سیاه تلاش میکنند که جوانه‌های آزادی را از ریشه بکشند و بخصوص فصل سوم حقوق افراد مندرجه در قانون اساسی را عملاً از بین ببرند و علیه بعضی جریانات وطن‌پرست و ترقیخواه تحریکاتی را، مثل حکومت سلف شما، راه بیندازند، و از طریق تولید نفاق و زد و خوردها و فتنه‌انگیزی (پرووکاسیون) در بین مردم آزادی‌خواه و دموکرات افغانستان اصل دموکراسی را بی‌اعتبار جلوه دهند. همچنان حقایق زندگی روزمره اجتماعی ما نشان میدهد که قانون در کشور تطبیق نمی‌گردد و اعمال ضدقانونی و خودسرانه مأموران دولت هیچگونه جزایی ندارد، ارتشاء و دستبرد از بودجه ناتوان و خجالت‌آور دولت دیگر حد و حصری ندارد، ظلم و بیدادگری به اوج خود رسیده است. قدرت ارتجاع

سیاه راست افراطی روزافزون است، فقر و بیماری مردم را تهدید به مرگ می‌کند، قوانین مربوطه‌یی که از طرف قوای ثلاثه دولت مورد تصویب قرار می‌گیرد، همه نشان‌دهنده محدود ساختن ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی است. حتی می‌توان گفت که به شکل بسیار ماهرانه و محیلانه، با تصویب قوانین جدید، تمام آزادی‌ها و حقوق مردم از بین برده میشود.

پلان سوم همچنان بصورت نیم‌بند باقی ماند، آهنگ رشد اقتصادی بصورت هلاکت‌باری بطی است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استعمار نوین روزافزون است. سکتور دولتی اقتصاد روز بروز مورد دستبرد و توطئه قرار می‌گیرد. بازارهای کشور بروی تاجران دلال داخلی وابسته به استعمار جدید و نمایندگیهای انحصارات سرمایه‌داری بی‌رحمانه آزاد گذاشته شده، تجمع سرمایه برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ جهت صنعتی‌شدن کشور اصلا مفهوم اقتصادی را در کشور ندارد.

در راه حل مساله زمین در کشور نه تنها اقدام نمیشود بلکه اصلا مفکوره آن برای هیات حاکمه افغانستان بصورت یک فکر بیگانه تلقی میگردد و صدها مسایل دیگر ملی ...

مسئله مورد استیضاح اینست که آیا حکومت شاغلی اعتمادی به یکنوع مرض سیاست دفع‌الوقت دچار نگردیده است؟ آخر تا کی باید انتظار کشیده و صبر کرد؟ آیا این وضع مسلط و هلاکت‌بار در کشور چطور میتواند برای وطنپرستان قابل‌تحمل باشد؟ استبداد، ارتجاع و نفوذ استعمار و بخصوص افسون مرتجعین که مردم را تخدیر میکنند تا چه وقت باید در کشور تسلط داشته باشد؟ و قتیکه تجربه ثابت کرده است که دیگر طبقه حاکمه مرتجع و ستمگر افغانستان و محافل حاکمه سیاسی آن از لحاظ ماهیت طبقاتی خویش نمی‌خواهند که راه رشد و تغییرات سریع بنیادی و کیفی را در کشور باز کنند و وطن محبوب ما افغانستان و خلقهای رنج‌دیده کشور ما از یوغ استبداد، ارتجاع و استعمار رهائی یابند، پس اجازه بدهید که ما اعلان نمائیم که خود خلق‌ها و نیروهای دلیر وطنپرست افغانستان راه خود را باز خواهند کرد و

ارتجاع سیاه را لگام خواهند زد. تحقق این امر به مصالح کشور مطابقت دارد. ورنه کسی بخواد یا نخواهد نوزاد افغانستان جدید راه خود را می‌گشاید زیرا بدون مبارزه پیروزی ممکن نیست، این قانون تکامل اجتماعیست، به اراده شخصی و یا کدام موسسه سیاسی تعلق ندارد.

شاغلی اعتمادی صدراعظم شیوه دیپلماتیک را کنار گذاشته، روی این دردهای ملی از نگاه و از لحاظ اینکه مسوولیت بزرگ بعهدہ شماست توضیحاتی بدهید!

شاغلی اعتمادی صدراعظم! بخود تکان دهید، به این استیضاح مشخص توضیح مشخص بدهید!

چرا هیات حاکمه افغانستان از آزادی، دموکراسی و بیداری شعور خلقهای افغانستان میترسد؟ آیا آنها گمان میکنند وطن در خطر می‌افتد؟ آیا راستی طبقات حاکمه افغانستان دلشان برای وطن میسوزد؟ آیا آنها معتقدند که آزادی و دموکراسی راه پیشرفت و ترقی کشور را سد میسازد؟ کدام ترقی و پیشرفت؟ فقر، بیماری و جهل ملیونها هموطن؟ لطفا نمونه‌ئی در جهان نشان بدهید که آزادی و دموکراسی علت این حوادث باشد. بالعکس این منافع طبقات حاکمه است که باعث در خطر انداختن وطن می‌گردد و مانع رشد سریع و کیفی و بنیادی کشور میشود. حقایق تلخ زندگی نشان‌دهنده این واقعیت است.

ببینیم شاغلی اعتمادی چه توضیحاتی میدهند!

شعار ما که: مبارزه علیه ارتجاع سیاه تا پیروزیست! در مقابل محافل حاکمه سیاسی ارتجاعی کشور، بنا بر ماهیت طبقاتی خویش، خواهند گفت: دفاع از ارتجاع و استبداد بهمکاری استعمار تا سرحد مرگ شعار ماست. اگر چنین است، پس وطن و ملت چه شد؟

لطفا توضیح بدهید!

سوال اخير اينست كه ما چرا درين جلسه استيضاح ولسي جرگه بصورت
مشخص، بسيار ساده حرف زديم؟ جواب ساده اينست كه بيسوادي مرض عام
گذشته و از تحليل علمي ما تعبيرات سوء ميگردد.

شاغلي اعتمادي! آيا شما با ما همعقيده نيستيد كه اكثريت محافل حاكمه
سياسي کشور از درك حقايق علمي بدورند و سواد سياسي ندارند و از تحليل
علمي جامعه هم بدورند؟ بلي! اين ميراث استبداد، ارتجاع و استعمار است.

اميدواريم در زمينه‌هاي مختلفي كه استيضاح شد، توضيح داده شود.

پرچم

ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیست و سوم

دوشنبه

۲۱ اسد ۱۳۴۷

۱۲ اگست ۱۹۶۸

بازهم درباره‌ی "وضع خطیر اقتصادی و مالی" کشور

در موضوع خرابی وضع مالی دولت، علل و نتایج آن قبلاً تحلیلاتی را در پرچم ارائه نموده‌ایم. در مضمون "یک نظر اجمالی بر منابع مالی پلان پنجساله سوم کشور" منتشره در شماره‌های چهارم و پنجم، مستند بر ارقام و حقایق نشان داده شده که از یکسو عواید ناچیز و خیلی محدود کنونی دولت با اینکه قسمت قابل‌ملاحظه آن از طریق امدادها و قروض خارجی تدارک می‌گردد، جهت تسریع آهنگ رشد اقتصاد و فرهنگ کشور فوق‌العاده ناکافی می‌باشد و از سوی دیگر عدم درک و توانائی حکومت‌های گذشته و فعلی در افغانستان، بنا بر ماهیت طبقاتی آنها، مانع آن گردیده است که اقتصاد ملی ما سریع و همه‌جانبه رشد نماید، منابع عمده و اساسی عایداتی کشور مورد استفاده صحیح قرار گیرد و سطح حیات مادی و فرهنگی مردم بالا برده شود. همچنین وضع بحرانی مالی دولت در مضمون دیگری منتشره در شماره نهم مورد بررسی قرار گرفته و کراتیک شده است. معهذا درینجا صرف به نکاتی چند از اعترافات شاغلی وزیر مالیه راجع به "وضع خطیر اقتصادی و مالی کشور" که حین ارائه بودجه سال ۱۳۴۷ در شوری صورت گرفته است، اشاره می‌نمائیم:

در مقدمه بیانیه شاغلی وزیر مالیه گفته میشود: "در چند سال اخیر بنا بر توسعه مداوم پروگرامهای انکشافی مملکت حجم بودجه سالانه‌ی دولت بلند رفته ... " سوالی بمیان می‌آید که توسعه کدام پروگرامهای انکشافی؟ اگر ما در نیمه سال دوم پلان پنجساله سوم قرار داریم، به شهادت اعداد و ارقام

رسمی درمی‌یابیم که مصارف انکشافی پیش‌بینی شده پلان سوم با مقایسه مصارف پیش‌بینی شده پلان دوم ۶/۱ میلیارد افغانی کمتر است و در عمل این کسر باز هم بیشتر خواهد بود. پس معلوم است که مصارف عادی دولت افزایش یافته است. در حالیکه قسمت قابل‌ملاحظه آن را مصارف "امنیتی" و زاید اداری و تشریفاتی تشکیل می‌دهد. مثال برجسته آن منظوری پنج‌صد و پنجاه و سه ملیون افغانی بودجه مصرفی اضافی از طریق فرمان تقنینی، علاوه بر بودجه تصویب‌شده توسط ولسی‌جرگه در اواخر حکومت میوندوال می‌باشد، که این امر از طرف شوری یک عمل صریحا خلاف قانون اساسی کشور خوانده شده است، که وکیل ببرک کارمل عضو فرکسیون دموکراتیک خلق در پارلمان افغانستان حین بحث و رأی‌گیری بر این موضوع در جلسه عمومی ولسی‌جرگه بشدت انتقاد کرد که:

"ما بارها بر اساس حقایق و ارقام توضیح داده‌ایم که از یکسو عواید دولت به تناسب ضرورت رشد سریع اقتصاد ملی و فرهنگ فوق‌العاده ناچیز است و آنهم قسمت بزرگ این عواید ناچیز از طریق مالیات غیرمستقیم (که فشار و سنگینی آن مستقیما بالای توده‌های عظیم مردم فقیر ما تحمیل می‌گردد) و کمک‌های خارجی بدست می‌آید. از سوی دیگر طبق حقایق و ارقام ثابت است که یک قسمت قابل‌ملاحظه عواید دولت در اثر اختلاس، سوءاستفاده و مصارف زائد دستگاه فاسد اداری دولت افغانستان بهدر می‌رود. مساله سوءاستفاده از عواید دولت برای حکومتها به پیمان‌ها یک ضرورت حیاتی شخصی تلقی گردیده که حکومت‌های بیرحم نه تنها به تنقیصات اصلاحی و ناچیز شوری تسلیم نمی‌شوند، بلکه جسارت را بجایی میرسانند که علی‌رغم قانون اساسی و تصمیم ولسی‌جرگه که مبلغ ۵۵۳ ملیون افغانی دیگر را نیز خودسرانه زیر نام "مازاد بودجه" بمصرف میرسانند. لذا به تأیید آن وکلای محترم که در حکومت اخیر، یعنی حکومت میوندوال و اعضای مسوول حکومت اعتمادی را در زمینه مسوول قرار داده‌اند، ما هم مسوولیت آنها را تأیید و پیشنهاد می‌نمائیم که باید ولسی‌جرگه دلیرانه موضوع را تا اخیر تعقیب نماید و اشخاص مسوول بدون استثنا خواه بالفعل و یا بالقوه

در قدرت‌اند، مورد تحقیق، تفتیش و محاکمه قرار گیرند و طبق قانون به جزای سنگینی برسند تا حداقل جلو خودسریها و عدول از قانون گرفته شود و گذاشته نشود که ارزشهای قانون اساسی جدید به سرنوشت قانون اساسی کهنه مواجه گردد. باید آزادیهای مصرح در قانون را از چنگال استبداد و توطئه نجات داد! باید شجاعانه گام برداشت."

* * *

در قسمت دیگری از بیانیه شاغلی ضیائی وزیر مالیه گفته میشود که: "وضع نامساعد اقتصاد بین‌المللی که اوضاع پولی اکثر ممالک را از نگاه مشکلات بیلانس تادیات و تغییر پالیسی‌های پولی متأثر ساخت، طبعاً بصورت غیرمستقیم، ما هم از تأثیرات منفی آن برکنار مانده نمی‌توانیم ... " اگر پالیسی‌های اقتصادی حکومت بهمین وضع و منوال ادامه دارد و اگر کماکان سیاست درهای باز در اقتصاد کشور بسود استعمار نوین و امپریالیسم و دلالان داخلی آن تعقیب می‌گردد، درست است که اقتصاد ناتوان و نابسامان ما بحیث زائیده اقتصادهای عظیم و غول‌آسای کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی و امریکا از بحران‌ات حاد و عمیق پولی اینکشورها بدور مانده نمی‌تواند، که نتیجه طبیعی آن طوریکه حکومت اعتراف کرده است، وضع نامساعد و سرد فروش اموال صادراتی ما در کشورهای سرمایه‌داری و اثرات نامطلوب آن در مالیات و محصولات و حجم صادرات اموال و بصورت مشخص در مورد نوسانات اسعار خارجه بوضاحت بمشاهده میرسد که اینوضع بخودی‌خود نتیجه نیست، بلکه به ورشکستگی اقتصادی، تعمیق بحران، تنزیل سطح زندگی باز هم بیشتر خلق و "افزایش تعداد بیکاران و ضیقی ساحه کار" بر اساس اعتراف حکومت "واقع‌بودن مملکت در آستانه یک مرحله رکود اقتصادی» منتج میگردد.

وضع خیلی نامساعد و بحرانی مالی و اقتصادی کشور، کساد بازار و معاملات و رکود اقتصادی چیزی نیست که بتوان آنرا پنهان کرد، حکومت ناگزیر است که بآن اعتراف نماید، اما تنها اعتراف چاره و کلید حل

مشکلات نیست. منافع مردم جدا ایجاب می‌نماید که در اینوضع تغییری رونما گردد، ولی صریحا اعلام میداریم که چاره اساسی ایجاد تحول کیفی و بنیادی در اقتصاد کشور و ساختمان اجتماعی و اقتصادی جامعه ماست که این امر بوسیله حکومتی دموکراتیک و ملی درین مرحله تاریخی انجام یافته می‌تواند، نه حکومت‌های که آله و افزار طبقه حاکمه فئودالی و تاجران بزرگ دلال وابسته به استثمار استعماری و امپریالیسم میباشند.

* * *

در جای دیگری از بیانیه اعتراف می‌گردد که وضع نامساعد مالی و اقتصادی کشور در سال گذشته اثرات نامطلوب خود را در سال جاری وارد مینماید. طبعاً وضع بحرانی امسال تأثیرات خود را برای سالهای مابعد بجا خواهد گذاشت که فشار آنرا زحمتکشان و طبقات محروم جامعه ما متحمل می‌شوند که در نتیجه تضاد بین فقر و غنا روز تا روز تشدید می‌گردد و این جریان‌یست بخصوص در سالهای اخیر که همه کس بصورت مشهود می‌تواند آنرا به بیند.

شاغلی ضیائی وزیر مالیه در سخنرانی خود گفته است که بودجه سال جاری تمام خواسته‌ها و نیازمندیهای مردم را برآورده نمی‌تواند، یعنی ادعا می‌گردد که گویا قسمتی از آنرا برآورده می‌سازد در حالیکه عمل و تجربه نشان میدهد که نه تنها خواسته‌های ضروری مردم و بدرجه اول ضروریات ابتدائی و خیلی مبرم آنان یعنی حداقل شرایط حیات، غذا، لباس، و مسکن برای مردم تأمین نشده است، بلکه هر روز بیشتر از روز دیگر مردم ازین ناحیه بمشکلات و معضلات گوناگونی برمی‌خورند. پنجاهای شوم فقر و گرسنگی، بیماری و بی‌روزگاری گلوی مردم را می‌فشارد و عرصه را برایشان تنگتر می‌سازد، در حالیکه اقلیتی مفتخوار، طفیلی و سرباری از تمام امکانات مادی و معنوی جامعه نفع می‌برند.

ما معتقدیم مادامیکه پایه‌های اساسی حکومتها را در افغانستان طبقه استثمارگر و ستمگر فیودالی و قشر تجار بزرگ دلال و ملاکین بورژوا -

بیوکرات تشکیل میدهد، انتظار انجام کاری مهم و تحولی عمیق به نفع خلق از طرف آنها بیهوده خواهد بود.

نور احمد

وکیل پنجوانی قندهار در ولسی جرگه

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیست و هفتم

دوشنبه

۲۵ سنبله ۱۳۴۷

۱۶ سپتمبر ۱۹۶۸

زندان‌ها

در تاریخ طولانی مبارزات ملی ما افسانه‌های وحشتناک زندانها و سیاه‌چاه‌های طراز شرقی و آسیائی و بشیوه قرون وسطائی در کشور تکان‌دهنده است و موی در بدن شنونده راست میکند.

صدها انسان دلیر و آزادیخواه کشور قربانی زندانهای سیاه و سلول‌های مرگ گردیده‌اند. هزاران طفل و جوان هموطن ما که شرایط نامساعد اجتماعی، فقر و گرسنگی، بیکاری و جهالت آنها را در چنگال انحرافات و فسادهای اخلاقی انداخته است "در مدرسه فساد زندان‌ها" بیشتر به لجن‌زار انحرافات اخلاقی و روحی فرو رفته‌اند. وضع زندانهای زنان خیلی ننگین و دور از هر نوع پرنسیب اخلاقی بوده، شرایط ضدکرامت انسانی، شکنجه‌ها و فقر کشنده و زجردهنده زندانها باعث سقوط و انحطاط سهمگین هزاران زندانی گردیده است.

تا اکنون هم صدها انسان بدون اثبات جرم و محاکمه در زندانها و بازداشتگاه‌ها در وضع خیلی بدی بسر میبرند. تاریخ زندانهای افغانستان گواه است که برخلاف تمام اصول اخلاقی و انسانی و قانونی با متهمین سیاسی و سایر زندانیان رفتار گردیده است. شلاق، کوفته‌فولی و شکنجه، دشنام، تحقیر و توهین جزو عادی‌ترین رویه زندانبانان نسبت به زندانیان سیاسی بوده است. غالباً مساله اجازه ملاقات با کسان زندانیان از مسایل مشکل زندانهای افغانستان بوده و است. زندانها عموماً فاقد کوچکترین شرایط صحی میباشند و شرایط داخلی سلولهای زندانها غیرقابل تحمل است.

در زندانهای عمومی ده، پانزده نفر را در سلولهای کوچک دو، سه نفری می‌اندازند.

مساله عدم تامین خوراک، لباس، دوکتور و دوا و حتی مطالعه کتاب از سنگین‌ترین شرایط زندانهای کشور بشمار می‌رود.

اینست گوشه‌یی از سرنوشت کرامت انسانی در داخل زندانهای افغانستان!
راه علاج واقعی اینهمه بدبختی‌ها تغییر شرایط اجتماعی و نجات انسانهاست.

(نور)

پرچم
ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیست و هشتم

دوشنبه

اول میزان ۱۳۴۷

۲۳ سپتمبر ۱۹۶۸

د تابعیت حق

او له هغه نه ناشی حقوق، آزادی او وظایف

د یوه هیواد د افرادو د تابعیت د حق مساله له هر راز تبعیض نه پرته (لکه بڼخواله، نارینتوب، نژاد، مذهب، ژبه، سیاسی عقیده او یا بله هره عقیده، اجتماعی وضع، زیریدنه یا هر بل موقعیت) د ټولنی د وگړو د حقوقو او د دموکراتیکو آزادیو وظایفو او مسؤولیتونو د تأمین په لحاظ ستر اهمیت لریر مگر زموږ په هیواد کی تر اوسه پوری د هیواد د جمعیت اکثریت، بیا په تیره بڼخی او د کوچی قبایلو وگری (د اساسی قانون له لحاظه د تابعیت د بالقوه حق له لرلو سره سره) عملاً له سیاسی، مدنی، اجتماعی، او فرهنگی آزادیو نه محروم دی.

اساساً عالیه اختیارات او ملی حاکمیت له ملت نه ناشی دی او ملت هم له اتباعو نه جوړ شویدی او همدا راز د ملت اراده او قدرت بیا خصوصاً د سیاسی حقوقو له لاری او له هغی جملی نه د انتخابیدلو او انتخابولو د حق او په سیاسی ژوند او حزبونو کی گډون د حق له لاری تجلی کویر. نو ځکه د یو تبعه تر ټولو ستر امتیاز، حق او مسؤولیت د هغه په رأی ورکولو کی څرگندیږی. هغه څوک چه تبعه ندی په ملی حکومت کی د گډون حق نلری. ددی ستر اصل پر اساس دی چه باید د یو هیواد وگری له هر راز توپیر نه پرته، د تابعیت له حق او له ټولو هغو حقوقو نه چه له دی حق نه راپیدا شویدی برخوردار وی.

مهمه نکته دا ده چه په معاصره نړۍ کې د اتباعو د مسؤولیت مفهوم له دموکراتیکو حقوقو او آزادیو نه پرته هیڅکله په نظر کې نشي نیول کیدلای. له همدې کبله په اوسنی نړۍ کې د اصل منل شویډی چه یو ملی دولت مؤظف دی چه ټولو خلکو ته اعم له بنځی او نارینه نه چه په هغه کې ژوند کول غواړی د تابعیت حق له نورو دموکراتیکو حقوقو او آزادیو سره یو ځای تأمین کاندې هیڅ دولت حق نلری چه پخپل سر څوک د تابعیت څخه محروم کاندې.

د بشر د حقوقو جهانی اعلامیه په (۱۵) ماده کې وایی: «۱- هر څوک حق لری چه تابعیت ولری. ۲- هیڅوک له خپل تابعیت او یا د تابعیت له تغیر نه محروم کیدلی نشی».

په یوه ملی او دموکراتیکه ټولنه کې چه د اصیلی دموکراسۍ پر موازینو ولاړه وی او په هغی کې د خلکو پراخی دموکراتیکې آزادی بسیاوی او خلک د دولت په اداره او د ټولنی په اعمار کې فعالنه گډون ولری د هیواد کلی اصول په لاندی ډول دی:

- د وطن د استقلال ارضی تمامیت او ملی حاکمیت دفاع له هیواد سره خیانت او د وطن د خلکو په دښمنانو پوری زړه تړل او د وطن د خلکو داخلی او خارجی دښمنانو ته جاسوسی کول تر ټولو ستر ملی جنایت او خیانت بلل کیری.

- د مالیې د دموکراتیک او مترقی قانون پر اساس د مالیاتو ادا کول.

- د هغو قوانینو، مقرراتو او دموکراتیک نظام اطاعت، چه پخپله خلک د هغوی په مستقیمه او غیرمستقیمه توگه د خپلو رښتونو او واقعی نمایندهگانو له لاری «د اساسی قانون سره سم» فعاله برخه ولری.

- عامه ملکیتونه او ملی شتمنی چه د وطن د اقتدار سرچینه او د خلکو او راتلونکو نسلونو د رفاه منبع دی دفاع کول او ساتل او د هیواد د خلکو د پرگنو په گټه له هغوی څخه بهره اخیستل او د هغوی د د بربادولو او ضایع

کولو پر ضد مبارزه کول.

- د استبداد، ارتجاع ملی ستم استعمار او امپریالیزم او استعمار پر ضد مبارزه.

- په هیواد کی د سولی دموکراسین او ترقی دفاع.

- د انتخاباتو د آزادی دفاع د خلکو مداففعو او مطلوبو کاندیدانو ته د رأیو په صندوق کی د پانو اچول.

- د سیاسی او طبقاتی شعور لرل او د داسی مسایلو له بهیر نه باخبر اوسیدل لکه د حکومت سیاست، اقتصادی پلانونه، د هیواد صنعتی کول، دولتی سرمایه‌گذاری او داخلی او خارجی خصوصی تشبثونه، داخلی او خارجی پورونه، د نرخونو جگیدل، د لاسمز د کمیدل، د کار او سرمایی روابط، د حمکی او بزرگر روابط، د هیواد خارجی سیاست، بین‌المللی نهضتونه، ملی نجات بخشونکی نهضتونه، د سولی او جنگ مسأله ... او لس‌ها وونور داخلی او خارجی مسایل چه د خلکو او راتلونکو نسلونو لهژوند سره ارتباط لری.

باید یادونه وشی چه د یو هیواد د اتباعو ستر اکثریت هله د مسوولیت احساس کوی چه پخپله په مستقیمه توگه او یا د خپلو نماینده‌گانو له لاری او قوانینو په وضع کولو کی اساسی برخه ولری او دی سره سره یی خپل حقوق او آزادی هم تاكلی وی. د واقعی دموکراسی مفهوم هم همدادی.

د بشریت د حقوقو جهانی اعلامیه پخپله پنځه ویشتمه ماده کی اعلام کوی چه:

«۱- هر څوک د هغی ټولنی په مقابل کی وظیفه لری چه د هغه د شخصیت آزاده او بشپړه وده میسره کاندی.

۲- هر څوک د حقوقو په اجراً او د خپلو آزادیو په استفاده کی یوازی د هغو محدودیتونو تابع دی چه د قانون په وسیله منحصرأ د نورو د حقوقو او

آزادیو د پیژند گلوی او مراعات په منظور او د اخلاقو او عمومی نظم او د ټولو د رفاه د صحیحو مقتضایاتو د رعایت لپاره د یوی دموکراتیکي ټولنی په شرایطو کی وضع شویدی.»

حقایق او تجربه ثابتوی چه «هغه قوانین او مقررات» کوم چه په یوه مرحله کی د یو خودسره اقلیت د حاکمه هیأت له خوا د خلکو د ستر اکثریت له آزادی او د هغوی د واقعی نمایندهگانو (شوری) له مداخله نه پرته، وضع شویدی هیڅکله په خلکو کی د مسوولیت احساس نه پیدا کوی او د اساسی حقوقو له نظره د هغوی مطلق او بلا شرط اطاعت، اجتماعی الزام مشی بلل کیدای او د «اساسی قانون» له لحاظ قانون نه تلقی کیری.

اجتماعی قوانین اعم له اساسی او عادی نه «د عصر د مقتضیاتو» او د ټولنی د مادی او اجتماعی شرایطو او د تکامل د عینی قانون سره سم، مرحله په مرحله تغییر او تحول مومی او په هره مرحله کی د خلکو ستر اکثریت کولای شی هغه د اصولو مطابق له خپلی گټی سره سم تغییر کاندی.

د قانون او اجتماعی نظام په مقابل کی د اطاعت روح په واقعیت کی د خلکو په آزاده اجتماعی اراده باندی ولاری. پداسی حال کی چه بر عکس په تاریخ کی لیدل شویدی چه د یوه هیواد د ظالم اقلیت حاکمه هیأتونو هڅه کړیده چه د خلکو عقاید او افکار د یو مرکزی قدرت په کانون کی متمرکز کاندی او په اصطلاح د خپل «نظام قانون» «وحی منزل» او له خطا نه عاری وبنیی او به خلکو باندی یی د ویری او فقر د راپیدا کولو په وسیله تحمیل کاندی. مگر د دوی د ارادی په خلاف دا وضع په خود بخودی توگه پخپله گیده کی خپل ضد روزی او د قانون د اطاعت او مسالتمیزی مبارزی رو په خلکو کی له مینځه ځی او خلک «د وروستی علاج په عنوان د ظلم او فشار پر ضد» قیام ته مجبوریری.

د دغو حقایقو له مخی د بشر د حقوقو د جهانی اعلامی په دوهم او ذریم پاراگراف کی ویل کیری: «له هغه ځایه چه د بشر د حقوقو نه پیژندنه او

تحقیر پداسی وحشیانه اعمالو منتهی شویده چه د بشریت روح یی سرکشی ته مجبور کړیده، نو د داسی نړی ظهور چه په هغی کی د بشر افراد په بیان او عقیده کی آزاد او له ویری او فقر نه خلاص وی، د بشر د آمالو د پورتنی عنوان په حیث اعلام شویده.

له هغه ځایه چه اساساً انسانی حقوق باید د قانون په اجرا حمایت شی تر څو بشر د وروستی علاج په عنوان د ظلم او فشار پر ضد قیام ته مجبور نشی.»

له همدی ځایه دی چه باید حاکم قوتونه د اوضاعو د بدلون او تحول مننه وکړی او عملاً د خلکو د حقوقو او دموکرائیکو آزادیو احترام وکандی او «د اتباعو حقوق او آزادی په وحشیانه اعمالو تحقیر نکړی، تر څو د بشریت روح سرکشی ون کاندی.»

نور

پرچم

ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره سی و یکم

دوشنبه

۲۲ میزان ۱۳۴۷

۱۴ اکتبر ۱۹۶۸

په کندهار کی د شهیدانو

د زیار ایستونکو زمنو تور سرنوشت

د کندهار په ښار کی د شهیدانو ځلی ته نژدی چه په افغانستان کی یی دستور وطنی هدفونو لپاره ځان قربان کړیدی، روز مزدوران (د همغو شهیدانو زمن) را ټولیزی، او همدلته دمانیو خاوندان او نور معمولی مالکان پدی مزدورانو پسی راخی. هغوی د مزدورانو په انتخاب کی یوه خاصه طریقه لری او هغه داده چی دا ښاغلی منتظرو مزدورانو په متو لاس را تیروی او هغه مزدوران ټاکی چه پاورۍ او مضبوطی متی ولری.

بد مرغی مزدوران (دوطن شهیدانو زمن) همدا کوشش کوی او هغه قانع کاندی چه دوی پیاوړی او دکار وړ متی لری، خو له دی کبله چه د مزدورانو د عرضی سره برابره تقاضا نشته، تر هغه بد مرغ مزدوران چه پر بری متی نلری اکثر وخت دکار له پیدا کولو نه محرومیژی.

کله لا داسی هم کیژی چه په نیمایی ورځکی دکار خاوند په دیره بده وضعه مزدور ته ځواب ورکری او دکمزوری په پلمه یی وشری.

دمزدورانو ځورونکی منظره چه دکار پیدا کولو لپاره دمشتری په مقابل کی ځان پاورۍ پیاوړی کوی، د مترقی انسانانو لپاره د تحمل وړ نده.

کله چه همدلته دشهیدانو تر مخ یوه ډله وطنپال اوشریف مزدوران د نړیو متودلرلو په گناه، له کاره پاتی شی، نو دا شریف بچیان د تحقیر او نامیندی

وروستی پراوته ورسیزی او داسی له غمه ډکی صحی را پیدا شی چه حکم کوی باید له اوسنیو اجتماعی شرایطو سره چه دتوری او بیرحمی ته ارتجاع زیژنددی نه پخلا کیدونکی مبارزی ته دقاطع بری تر پولی پوری دوام ور کړی.

آخر دا مزدوران دچا زمن دی؟ زموژ دخلکو، هیواد دساتندیو او قهرمانو خلکو! دوی دی چه وطن ساتی او دوی دی چه دلوژی او فقر په بیه ددی نورو لپاره دشکلی ژوند وساتل برابر وی دوی باید له دی سپکی وضعی نه خلاص شی.

نور



پس از پایان دوره ۱۲ پارلمان افغانستان در سپتامبر ۱۹۶۹ رفیق "نور" به عنوان کارمند حرفه‌ای حزب در امور تشکیلاتی و مسئول تشکیلات به فعالیت حزبی‌اش ادامه می‌دهد.



پرچم

ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیست و هفتم

سال دوم

شماره مسلسل ۷۹

دوشنبه

۲۱ میزان ۱۳۴۸

۱۳ اکتبر ۱۹۶۹

باز هم اعتراف بوضع نابسامان

اقتصادی کشور

شاغلی دوکتور عبدالصمد حامد در جریان روزهای "جشن استقلال" کشور بیانییهی ایراد نمود که در آن شیوه "هوشیارانه" خاصی بکار برده شده است تا هموطنان ما معتقد گردند که گویا حکومت در جریان یکسال کارهای فوق‌العاده و خارق‌العاده‌ئی را در زمینه رشد اقتصادی کشور انجام داده است. نخست اعترافات سال گذشته درباره رکود اقتصادی کشور در بیانییه تکرار و سپس یک سلسله اعداد و ارقام به‌صورت فیصدی‌ها طوری ارائه شده است که با ملاحظه آن خواننده نتیجه‌گیری نماید که گویا نواقص گذشته ظرف یکسال رفع و کارهای بزرگی در جهت رشد و تکامل اقتصادی جامعه عقب‌مانده ما انجام گردیده باشد ولی از آنجائیکه واقعیت موجود با آنچه ادعا می‌گردد، تناقض صریح دارد، بنا بر آن مشکل است آن چنان ذهنیتی را که در این زمینه مطلوب حکومت است، در مردم بوجود آورد.

در آغاز بیانییه شاغلی وزیر پلان اعترافاتی که در سال گذشته از طرف حکومت به عمل آمده بود جمع‌بندی شده است که مقصد از آن اینست: حکومت مواجه به یک معضله اقتصادی بوده و در کشور رکود اقتصادی حکمفرماست، امکان به دست آوردن قروض خارجی با شرایط مساعد و استقرار از بانک مرکزی محدود می‌باشد، تناسب افزایش در عاید ملی با

مقایسه افزایش نفوس و استفاده از عاید ملی به منظور سرمایه‌گذاری دولت به مقایسه کشور های مشابه افغانستان و به تناسب ضرورت رشد اقتصادی کشور فوق‌العاده ناچیز است.

نخست باید این مسأله را روشن ساخت که تنها اعتراف به نواقص نمی‌تواند کاری را از پیش برد. تشخیص نواقص و اعتراف بدان به معنی حل معضلات نه، بلکه آغاز کاریست که باید تعقیب گردد و برای رفع آنها فعالیت‌های جدی، مستمر و باثمر، با استفاده وسیع از امکانات موجود صورت گیرد.

ولی در اظهارات رسمی حکومت می‌توان متوجه این نکته گردید که سعی به عمل می‌آید مردم متقاعد گردند که گویا نواقص در کار حکومت یک امر طبیعی است، چنانچه بدان اعتراف می‌گردد، اما امکانات برای رفع آنها محدود می‌باشد و آنچه هم انجام می‌گیرد نتیجه کار و فعالیت شباروزی و خستگی‌ناپذیر (!) دستگاه اداره حکومت افغانستان می‌باشد. در بیانیه شاغلی حامد وزیر پلان نیز مسأله چنین طرح گردیده است که اولاً نواقص کار شمرده شده و سپس سعی به عمل آمده تا ثابت گردد که تا سال گذشته حکومت مواجه به معضلات بزرگی اقتصادی بود، ولی در جریان یک سال این معضلات تا حدود زیادی رفع گردیده است. برای اثبات این مدعا در بیانیه اعداد و ارقامی به صورت فیصدها که افزایش فوق‌العاده را با مقایسه به گذشته نشان می‌دهد ارائه شده بدون اینکه ارقام اولی که پایه سنجش این فیصدی‌هاست ارائه گردد. هدف معلوم است، برای اینکه ارقام اولی فوق‌العاده ناچیز می‌باشد و طبیعی است که حداقل افزایش با مقایسه ارقام قبلی که بسیار ناچیز هم باشد بصورت فیصدی بزرگ جلوه مینماید.

شاغلی وزیر پلان با ارائه چنین فیصدی‌ها و نتیجه‌گیری‌های دور از واقع بر اساس آنها در بیانیه خویش مدعی می‌گردد که "...تا حدی در رفع رکود اقتصادی که به آن مواجه بودیم موفقیت نصیب خواهد شد." درینجا سوالی به وجود می‌آید که اگر حکومت به رکود اقتصادی مواجه بود (در گذشته) یعنی اکنون (در حال) نیست، پس چه ضرورت که گفته شود "موفقیت

نصیب خواهد شد" (در آینده)؟ برای اینکه حقایق در لابلای الفاظ پوشانیده شود حتی محل استعمال ماضی، حال و استقبال در جملات بیانیه بدرستی مراعات نگردیده است.

واقعیت سرسخت موجود در جامعه حکم می‌نماید که هنوز رکود کامل نه تنها در اقتصاد فوق‌العاده ناتوان کشور حکمفرماست، بلکه روز تا روز حالت بحرانی پیدا مینماید. در قبال این واقعیات شاغلی وزیر پلان نیز ناگزیر است پس از ادعاهای فراوان در مورد "ازدیاد سطح تولیدات ملی و ازدیاد در عاید ملی ... " اعتراف نماید که: "... به صورت مشخص تولید زغال‌سنگ و لاجورد کمتر است، در تولید انرژی مخصوصاً توزیع آن بنا بر یک سلسله عوامل تخنیکی کدام تغییر قابل‌ملاحظه صورت نگرفته ... " "سمنت نسبت باینکه سال گذشته در اثر عدم امکان فروش ذخایر زیاد باقی مانده بود در سال ۱۳۴۷ نسبتاً کمتر تولید شد ... فابریکه سمنت جبل‌السراج متأسفانه هنوز به تولید مجدد آغاز نکرده"، "... تولید نساجی نخی بنا بر کمی مواد خام ماحصل سال ۱۳۴۶ و پاره عوامل اجتماعی در سال ۱۳۴۷ (بیست‌و‌پنج فیصد) کمتر شده ... " تولید شکر کمتر قناعت‌بخش بوده و تقریباً ۲۵ فیصد تنقیص در آن رخ داده است، اگر تجدیدنظر اساسی در تدویر آن نشود سال آینده نیز بهبود در تولید شکر متصور نخواهد بود."

این اعترافات در زمینه وضع نامساعد عمده‌ترین اقلام تولیدات معدنی و صنعتی کشور که ستون فقرات صنایع فوق‌العاده ضعیف و کم‌رشد افغانستان را در وضع کنونی تشکیل میدهد خود بر رد ادعاهای مبنی بر "ازدیاد سطح تولیدات ملی" در ظرف سال گذشته و "رفع رکود اقتصادی" حکم می‌نماید.

آنچه مسلم است اینکه افغانستان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی فوق‌العاده عقب مانده و آهنگ رشد اقتصادی آن به نحو وحشتناکی کند است که هر گاه وضع بدین منوال ادامه یابد، نمی‌توان انتظار داشت طی سالیان زیادی حداقل رشد اقتصادی نصیب جامعه ما و خلق افغانستان گردد، مگر اینکه با سرعت و صحت ممکنه نظام اقتصادی - اجتماعی نوین و مترقی جایگزین نظام اقتصادی - اجتماعی فرتوت کنونی گردد.

نوراحمد (وکیل دوره دوازدهم ولسی‌جرگه)





رفیق "نور" در نوامبر ۱۹۷۵ به عنوان عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، منتخب کنفرانس حزبی جناح "پرچم" بعد از انشعاب انتخاب می‌شود.



رفیق "نور" در امضاء سند کنفرانس وحدت که در ۳ ژوئیه ۱۹۷۷ از سوی ۹۰ نفر از رهبران و فعالان سیاسی هر دو فراکسیون "خلق" و "پرچم" در شهر "کابل" و در منزل "زمان کریمزاده" امضاء و تصویب می‌شود، شرکت می‌کند و با تشکیل پلنوم کمیته مرکزی جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان به عنوان عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان، منتخب کنفرانس وحدت هر دو جناح "خلق" و "پرچم" انتخاب می‌شود.



در سال ۱۹۷۷ رفیق "نور" و بانو "شمیم شفیع" با هم‌دیگر ازدواج می‌کنند و دارای یک فرزند دختر و دو فرزند پسر می‌گردند.



مراسم تدفین میراکبر خیبر ۱۸ آوریل ۱۹۷۸



با قیام نظامی در ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ یک "شورای نظامی" ایجاد می‌شود که در ۲۹ آوریل خود را در کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ادغام می‌کند و بدین ترتیب "شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان" شکل می‌گیرد و رفیق "نور" به عنوان عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شامل "شورای انقلابی" نیز می‌گردد.

رفیق "نور" در اول می ۱۹۷۸ به عنوان وزیر داخله تعیین گشته و در ۵ می همان سال آغاز به کار می‌کند.

تبعید اول

به علت تضادهای درون‌حکومتی، در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ رفیق "نور" از مقام وزارت خلع شده و به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده جمهوری دمکراتیک افغانستان در آمریکا تعیین می‌گردد و به همین خاطر جهت آشنائی با اسناد و سوابق امور سفارت افغانستان در آمریکا به وزارت خارجه افغانستان معرفی می‌گردد. رفیق "نور" در ۵ ژوئیه ۱۹۷۸ به آمریکا می‌رود ولی در ماه اوت همین سال از سوی رژیم حاکم بر افغانستان از مقام سفارت هم عزل می‌گردد و از وی خواسته می‌شود که به افغانستان بازگردد.

اما رفیق "نور" به افغانستان باز نمی‌گردد و در ۵ سپتامبر ۱۹۷۸ آمریکا را ترک کرده و مخفیانه در اروپا زنده‌گی می‌کند تا این که در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان باز می‌گردد.



شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ رفیق "نور" را به عنوان عضو هیئت‌رئیس‌ه شورای انقلابی انتخاب می‌کند.



پانزدهمین سالروز تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان

اول ژانویه ۱۹۸۰

در نخستین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که ساعت ۵ بعدازظهر ۱۰ ژانویه ۱۹۸۰ در تالار عمارت "چهلستون" به ریاست "ببرک کارمل" تشکیل می‌گردد رفیق "نور" به عنوان عضو اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی، عضو شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و نهایتن عضو هیئت‌رئیس‌ه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان انتخاب می‌شود.



دیدار با هیئت جمهوری خلق کنگو برازویل ۱۱ فوریه ۱۹۸۰



مراسم افتتاح نخستین کنفرانس زراعتی در قصر دل گنشا ۲۷ فوریه ۱۹۸۰



مشایعت آناهیتا راتبزاد در سفر به چکسلواکی
و جمهوری دموکراتیک آلمان ۲۹ فوریه ۱۹۸۰



استقبال آناهیتا راتبزاد در بازگشت از سفر چکسلواکی
و جمهوری دموکراتیک آلمان ۲۳ مارس ۱۹۸۰



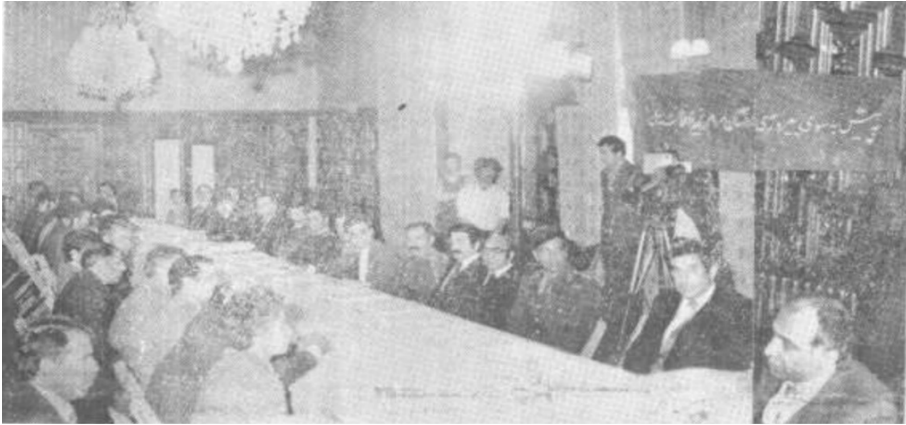
مشایعت خان عبدالغفار خان در فرودگاه کابل ۲۶ مارس ۱۹۸۰



مشایعت اسلم وطنجار در سفر به شوروی ۳ آوریل ۱۹۸۰



مشایعت عبدالرشید آرین در سفر به چکسلواکی ۱۰ آوریل ۱۹۸۰



دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

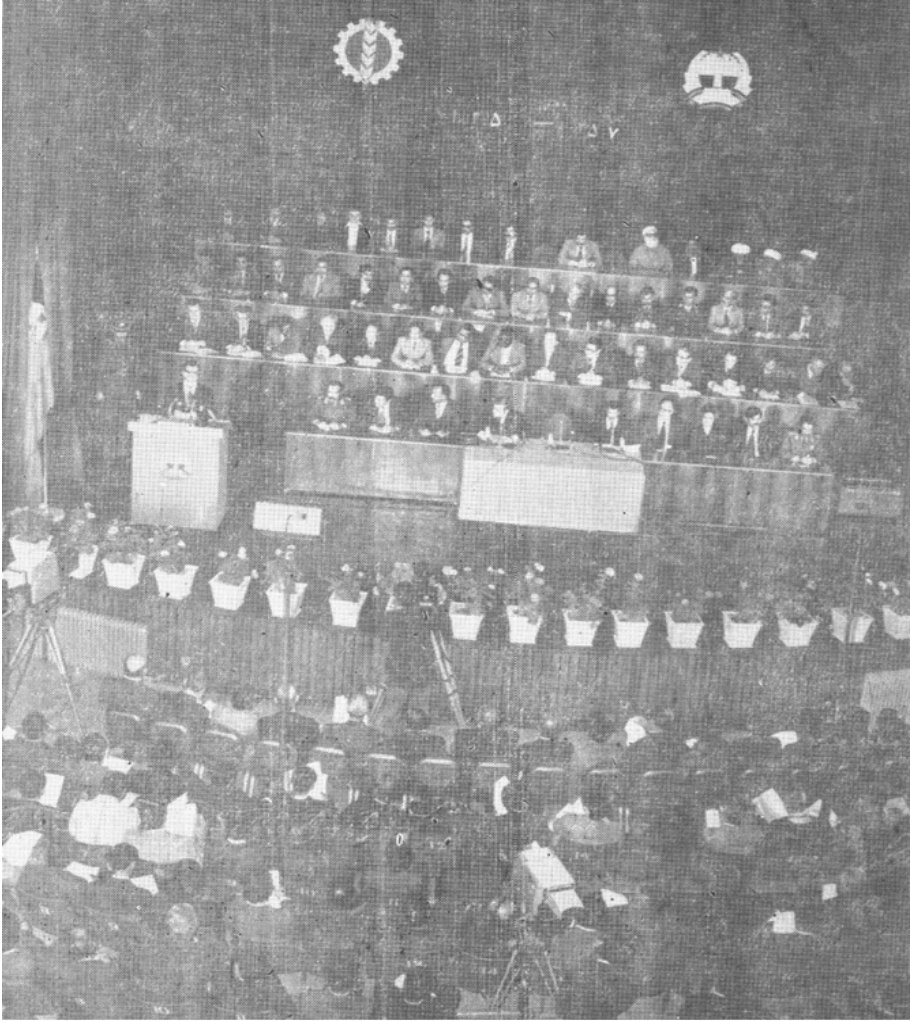
در مقر شورای انقلابی ۱۳ آوریل ۱۹۸۰



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱۴ آوریل ۱۹۸۰



یکصد و دهمین سالروز تولد لنین در قصر دلگشا ۱۵ آوریل ۱۹۸۰



دومین سالروز "۷ ثور" ۲۶ آوریل ۱۹۸۰



افتتاح نخستین کنگره معلمان افغانستان ۲۴ مه ۱۹۸۰



اختتام نخستین کنگره معلمان افغانستان ۲۶ مه ۱۹۸۰



جلسه فعالین و کادرهای کمیته‌های شهر و ولایت کابل و سازمان
دموکراتیک جوانان افغانستان در جهت تائید و تطبیق مصوبات پلنوم دوم
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در قصر سلامخانه ارگ

۲۹ مه ۱۹۸۰



مشایعت آن‌هایتا راتبزاد در سفر به وارسا ۱۱ ژوئن ۱۹۸۰



بازدید از کتابخانه حزبی در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس از افتتاح کتابخانه ۱۴ ژوئن ۱۹۸۰



مشایعت اسداله سروری در سفر به شوروی ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰



مشایعت هیئت‌های سیاسی بلغارستان و ویتنام ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰



سمینار فرماندهان سیاسی و نظامی ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰



اختتام گردهم‌آئی سازمان هم‌بسته‌گی خلق‌های آفریقا - آسیا با انقلاب
افغانستان در تالار سلام‌خانه ارگ ۲۸ ژوئن ۱۹۸۰



نخستین کنفرانس سرتاسری روحانیون ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰



نخستین کنفرانس سرتاسری روحانیون ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰



کنفرانس ارتقاء موثریت و فعالیت وزارت خانہ‌ها، ادارات و موسسات دولتی
در تالار سلامخانہ ارگ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۰



استقبال خان عبدالغفار خان در مراجعت از دہلی ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۰



سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۳ ژوئیه ۱۹۸۰



جلسه فعالین حزبی شهر و ولایت کابل ۵ اوت ۱۹۸۰



درج تيريك شصت و يك مین سالروز استرداد استقلال افغانستان

۱۹ اوت ۱۹۸۰



دومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰



دومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰



نخستین کنفرانس سرتاسری سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰

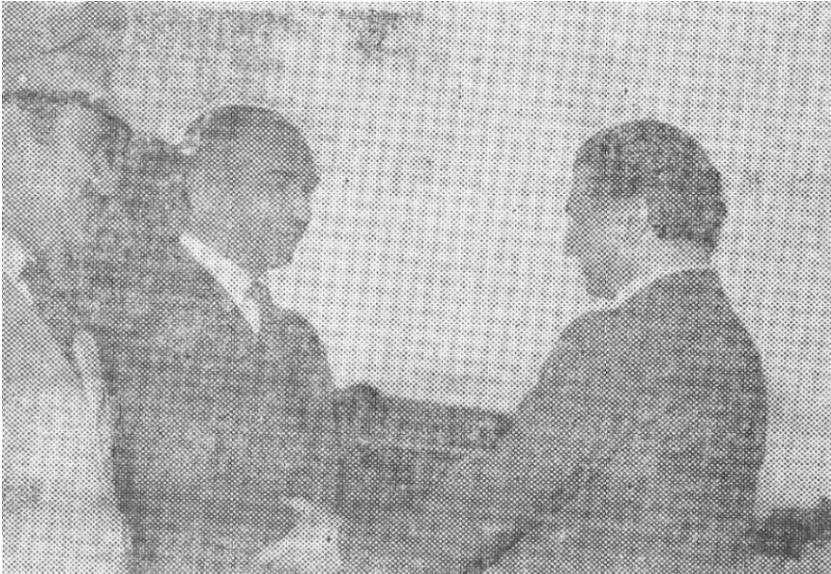


نخستين کنفرانس سرتاسري سازمان دموکراتيک جوانان افغانستان

۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰



افتتاح مجدد موزه ملی افغانستان ۱۳ اکتبر ۱۹۸۰



مشایعت ببرک کارمل در سفر به شوروی ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰



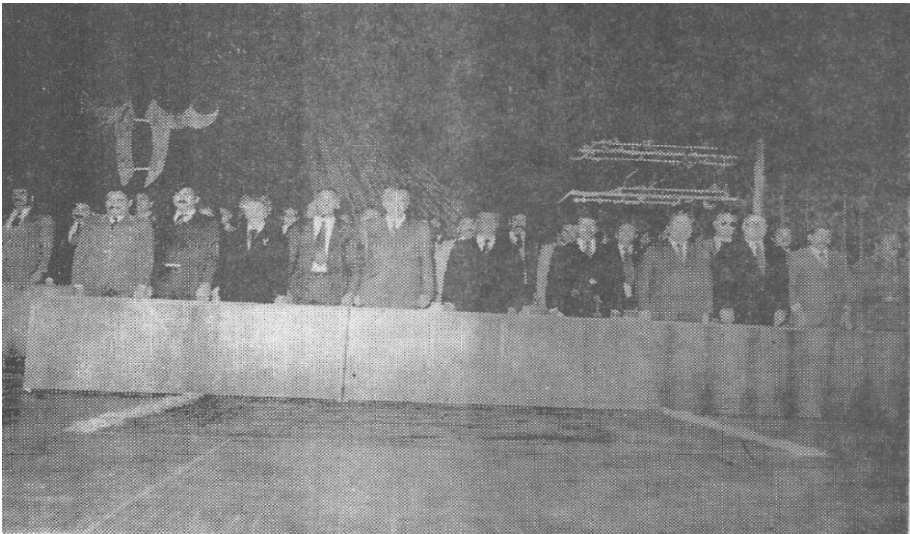
پس از نماز عید قربان ۲۰ اکتبر ۱۹۸۰



استقبال همراهان بیرک کارمل در بازگشت از شوروی ۲۵ اکتبر ۱۹۸۰



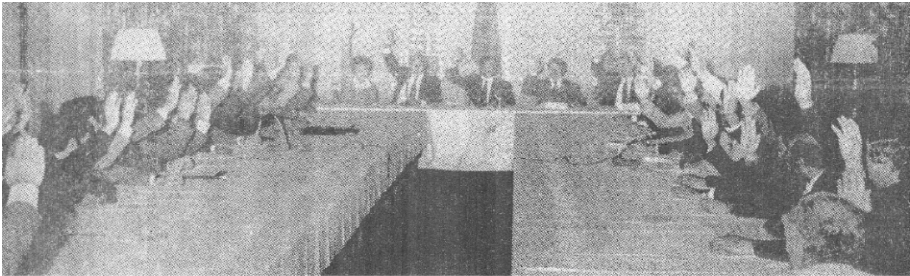
استقبال سلطان علی کشت‌مند و محمود بریالی در بازگشت از کنفرانس علمی
بین‌المللی تحت عنوان مبارزه مشترک طبقه کارگر بین‌المللی و نهضت‌های
رهائی‌بخش ملی علیه امپریالیزم و به خاطر ترقی اجتماعی
در جمهوری دمکراتیک آلمان اول نوامبر ۱۹۸۰



سالروز انقلاب اکتبر شوروی ۶ نوامبر ۱۹۸۰



افتتاح موزه لنين در وزارت امور خارجه افغانستان ۷ نوامبر ۱۹۸۰



چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۱ نوامبر ۱۹۸۰



به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغاریا، رفیق "نور" در راس یک هیئت حزبی در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۰ عازم صوفیه پایتخت بلغاریا می‌شود.



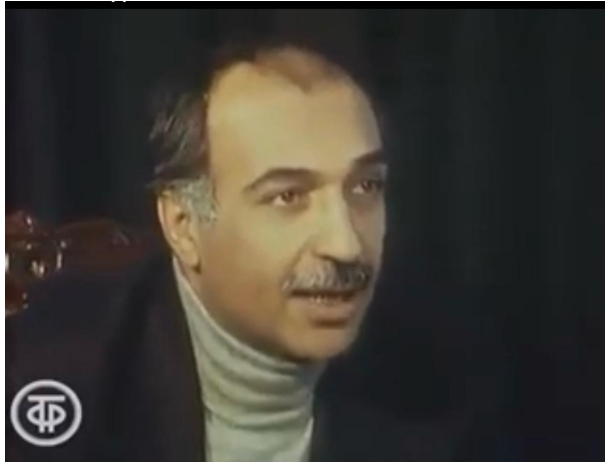
سمینار مشورتی روسای ارگان‌های محلی دولتی در قصر دل‌گشا

۳ دسامبر ۱۹۸۰



کنفرانس نیروهای ملی و وطن پرست افغانستان ۲۷ دسامبر ۱۹۸۰







نخستین سمینار آموزشی مسئولین کنترل حزبی ولایت، شهر و نواحی کابل

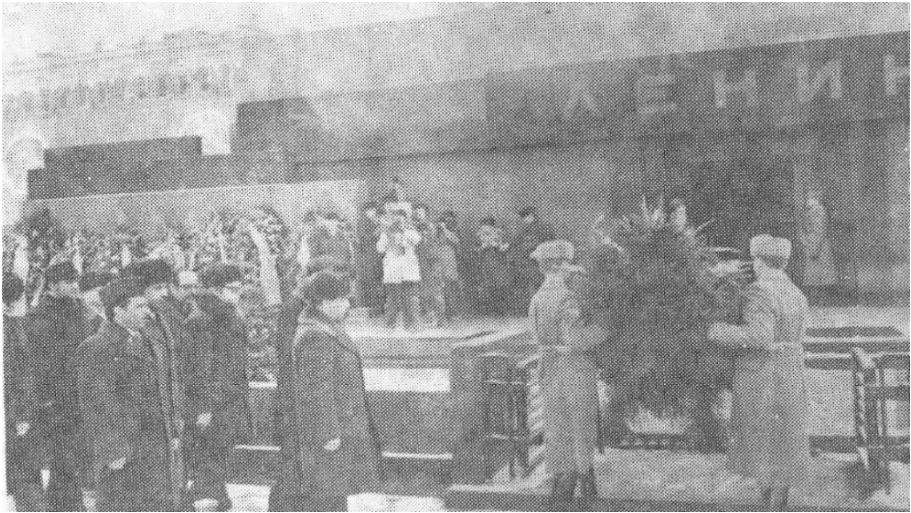
۲۹ ژانویه ۱۹۸۱



سفر به شوروی ۱۸ فوریه ۱۹۸۱



فرودگاه مسکو ۱۸ فوریه ۱۹۸۱



مقابل آرامگاه لنین ۱۹ فوریه ۱۹۸۱



شصت و سومین سالروز امضاء معاهده دوستی افغانستان و شوروی

در خانه دوستی در مسکو ۲۷ فوریه ۱۹۸۱



آکادمی علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در مسکو

۲ مارس ۱۹۸۱



نخستین کنگره اتحادیه‌های صنفی ۷ مارس ۱۹۸۱



اختتام نخستین کنگره اتحادیه‌های صنفی ۸ مارس ۱۹۸۱



پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۸ مارس ۱۹۸۱



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۱۹ مارس ۱۹۸۱



امضاء اعلامیه مشترک حزب دموکراتیک خلق افغانستان

و جبهه خلق برای آزادی فلسطین ۲۸ مارس ۱۹۸۱



دومین سمینار مسئولین تشکیلاتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۳۱ مارس ۱۹۸۱

حقیقت انقلاب شور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نود و سه

یکشنبه

۱۶ حمل ۱۳۶۰

۵ اپریل ۱۹۸۱

بیانیه

در دومین سیمینار مسوولین تشکیلاتی ح.د.خ. افغانستان

سه‌شنبه ۱۱ حمل ۱۳۶۰

۳۱ مارچ ۱۹۸۱

رفقا، سیمینار شما در زمانی دایر می‌گردد که اخیراً هیأت عالی‌رتبه حزبی ح.د.خ.ا. تحت رهبری رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم ج.د.ا. بعد از شرکت در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به وطن بازگشت. این موضوع و سایر مسایل مبرم تکامل بعدی انقلاب ما و نوسازی جامعه در پنجمین پلینوم نوبتی کمیته مرکزی که چندی قبل دایر شده بود مورد بحث قرار گرفت.

شرکت در کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و استقبال پر شور نمایندگان کنگره از هیأت حزبی ما مظهر درخشان اعتلای پرستیژ بین‌المللی ح.د.خ.ا. و جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد.

هیأت در همه جا با صمیمانه‌ترین عواطف و احساسات پشتیبانی و همبستگی انسان شوروی نسبت به انقلاب و مردم افغانستان سربلند، مستقل و انقلابی مواجه گردید. این امر در واقع جواب دندان‌شکن به رجزخوانی‌های بیشترمانه و دروغ‌پراکنی‌های خاینانه محافل ارتجاع بین‌المللی بر علیه انقلاب، وطن و مردم کشور ما دانسته می‌شود.

صحیح‌ترین پاسخ ما در برابر پشتیبانی همه‌جانبه و بیدریغ بشریت مترقی و در راس اتحاد شوروی بزرگ نسبت به انقلاب شکوهمند ثور و مرحله نوین تکاملی آن باید تشدید فعالیت در جهت تحکیم بازهم بیشتر وحدت ارگانیک حزب باشد. به این منظور باید با گذشته‌های بچگانه وداع گفت، زیرا این امر بخاطر حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلابی ما که تمام بشریت مترقی و زحمتکش در دفاع از آن برخاسته است بی‌نهایت مهم است.

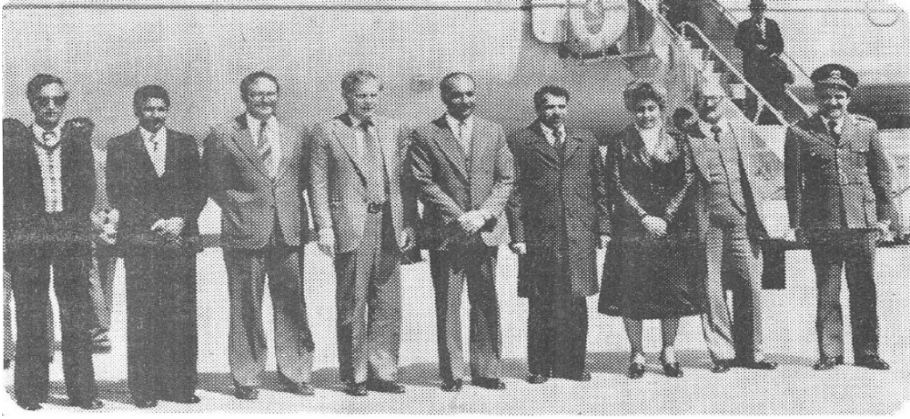
پنجمین پلینوم نوبتی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. وظایف مهمی را در برابر کلیه سازمانها و اعضای حزب قرار داده است که اجرای آنها مستلزم سعی و تلاش فراوان از جانب هر عضو حزب میباشد. شک نیست که دشمنان انقلاب و سعادت مردم کشور ما دست از توطیه و خرابکاری برنداشته‌اند. آنها به موازات پیشرفته‌ها و کامیابی‌های ما هارتر می‌شوند و با کینه‌توزی صدچندان بیشتر به اعمال جنون‌آمیز دست می‌زنند. اما اعمال دیوانه‌وار دشمنان ما نشانه قوت‌مندی آنها نیست، آنها محکوم به شکست قطعی و اضمحلال کامل می‌باشند، آنها نمی‌توانند به سرنوشت بهتری از سرنوشت دیوانه‌ترین مظهر تجاوز و سلطه‌جویی امپریالیستی که در وجود فاشیزم هتلری تبلور یافته بود دست یابند. در پیکاریکه در پیشروست، پیروزی حتمی از آن ما و تمام پویندگان راه سعادت و خوشبختی انسانهاست.

ما به خاطر نیل به اهدافیکه در برابر خویش قرار داده‌ایم از امکانات وسیع و توانایی عظیمی برخوردار می‌باشیم. این امر قبل از همه بخاطر آنست که ما بر حق هستیم و به خاطر اهداف عادلانه، شریف و انسانی پیکار می‌کنیم. این اهداف از قدرت جاذبه و تسخیر بی‌نظیری در میان وسیع‌ترین توده‌های مردم برخوردار می‌باشد. هر قدر مردم از اهداف حزب و انقلاب ما بیشتر آگاهی و اطلاع درست حاصل نمایند به همان اندازه به پشتیبانی فعال از آن برمی‌خیزند، ولی بایست اینکار با شکیبایی، تحمل و حوصله‌مندی زیاد صورت بگیرد. غرور قدرت و سرگیچی‌های ناشی از آن نباید ما را به بیراهه کشاند. این امر بی‌نهایت زیان‌آور و حتی هلاکت‌بار بوده میتواند. ما

باید از شیوه‌های پرانعطاف و اقناعی استفاده نماییم.

نمی‌شود با همه کس با زبان خشونت صحبت کرد. شک نیست که ما در برابر دشمنان وطن و سعادت مردم خویش بیرحم و آشتی‌ناپذیر هستیم. ولی باید میان دشمن و فریب‌خوردگان فرق قایل شد. باید به آنهاییکه در دام فریب دشمن اسیر مانده موقع داد تا خود را تصحیح نمایند و حتی با کار تربیتی پرحوصله به آنها باید کمک رسانید تا به اشتباهات خویش متوجه گردند.

رفقا، ما به خانواده بهم‌پیوسته و فشرده پیگیرترین مبارزان راه صلح و دوستی ملت‌ها به خانواده بزرگ و پرافتخار صدیق‌ترین شیفتگان راه سعادت و خوشبختی انسان زحمتکش تعلق داریم. این یک سعادت بزرگ است. باید قدر آنرا بدانیم و دین خود را در برابر آن انجام بدهیم. حماسه‌های آنهاییکه تا پای جان به آرمان سعادت انسان وفادار ماندند و از پیکار در راه آن باز نایستادند الهام‌بخش و مشعل راه ما در اجرای وظایف سترگ و باعظمتی می‌باشد که انقلاب، وطن و مردم در برابر ما قرار داده است.



استقبال صالح محمد زیری در بازگشت از بلغاریا ۸ آوریل ۱۹۸۱



به دعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان، جهت اشتراک در دهمین کنگره این حزب، رفیق "نور" در راس یک هیئت حزبی در ۸ آوریل ۱۹۸۱ عازم برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان می‌شود.



جلسه فوق العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۲۶ آوریل ۱۹۸۱



سومین سالروز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۱



ارائه پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مراسم

روز کارگر اول مه ۱۹۸۱



بازدید از نمایشگاه تسلیحات ۱۱ مه ۱۹۸۱



جرگه سران اقوام و شخصیت‌های اجتماعی ۲۰ مه ۱۹۸۱

رفیق "نور" جهت شرکت در هجدهمین کنگره حزب انقلابی مردم مغولستان در ۲۳ مه ۱۹۸۱ در راس هیئتی عازم شهر "اولان باتار" Ulaanbaatar پایتخت مغولستان می‌شود و در ۳۰ ماه مه به افغانستان بازمی‌گردد.

جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ۱۱ ژوئن ۱۹۸۱ در مقر شورای انقلابی در قصر گل‌خانه، رفیق "نور" را به عنوان معاون رئیس شورای انقلابی انتخاب می‌کند.





کمیسیون عالی تدارک کنگره موسس جبهه ملی پدروطن ۹ ژوئن ۱۹۸۱



کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱



کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱



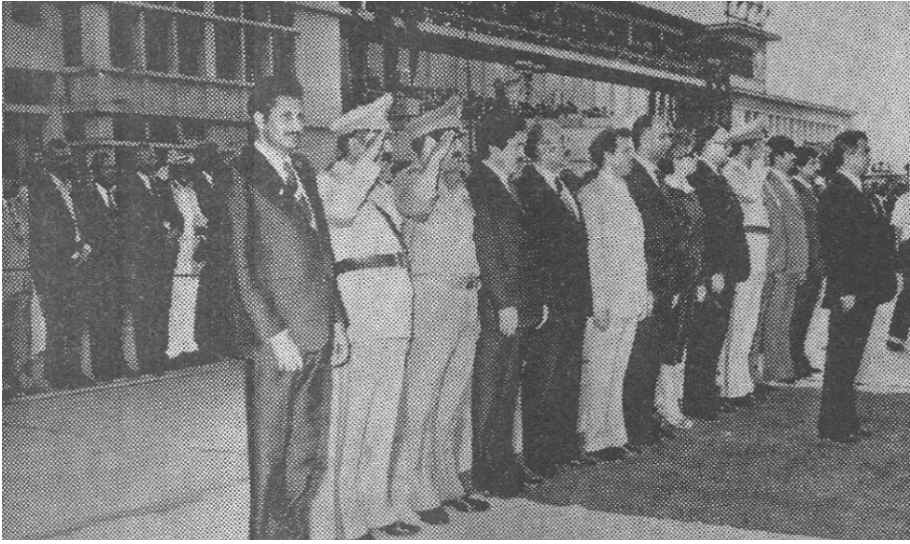
کنگره موسس جبهه وسیع ملی پدروطن ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱



سخنرانی در جلسه نماینده‌گان روشن‌فکران ایجادگر ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱



استقبال هیئت عالی‌رتبه حزبی در بازگشت از چکسلواکی ۳۰ ژوئن ۱۹۸۱



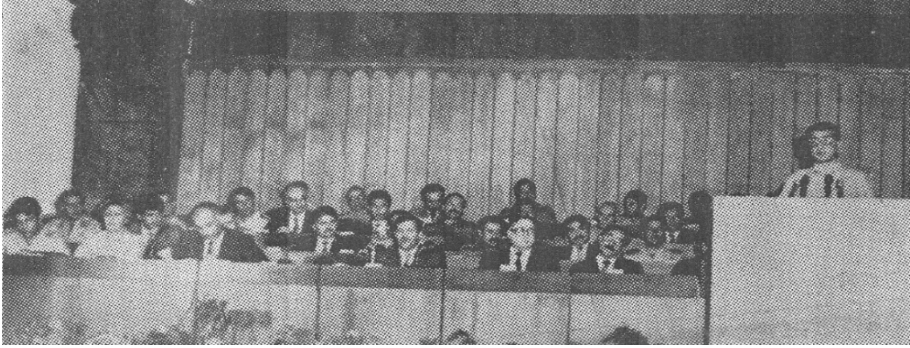
استقبال ببرک کارمل در بازگشت از چکسلواکی و شوروی

۲۸ ژوئیه ۱۹۸۱

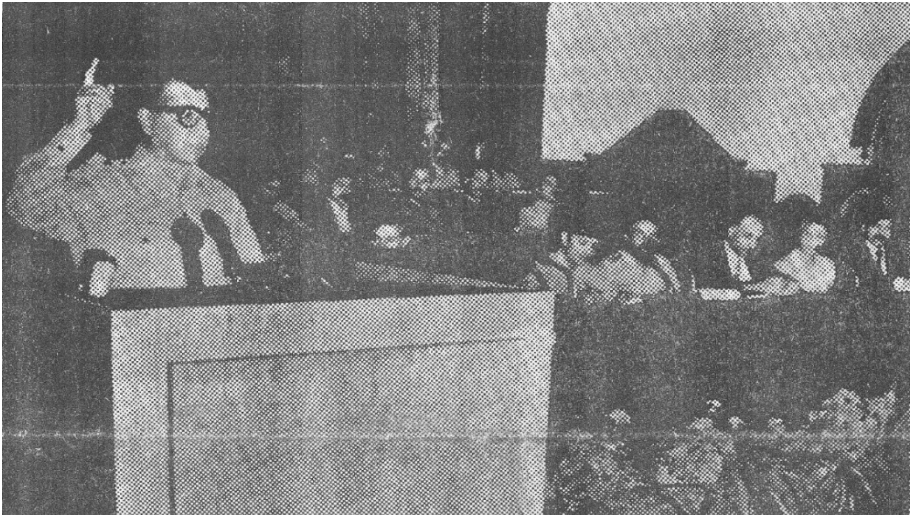


سخنرانی در افتتاح اولین سمینار دفاع و عدل در محل کمیته مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۱۳ اوت ۱۹۸۱



جلسه فعالین حزبی قوای مسلح افغانستان ۱۶ اوت ۱۹۸۱



اولین جلسه کادرها و فعالین سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

در قوای مسلح افغانستان ۸ سپتامبر ۱۹۸۱



جلسه فعالین حزبی زون جنوب در شهر قندهار ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱



جلسه فعالین کابل سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ۲ اکتبر ۱۹۸۱



دیدار با میلادین نیکولوف میلادینوف، سفیر کبیر جمهوری مردم بلغاریا
در محل سفارت در کابل به مناسبت هزار و صدومین سالگرد تاسیس دولت
بلغاریا ۲۰ اکتبر ۱۹۸۱



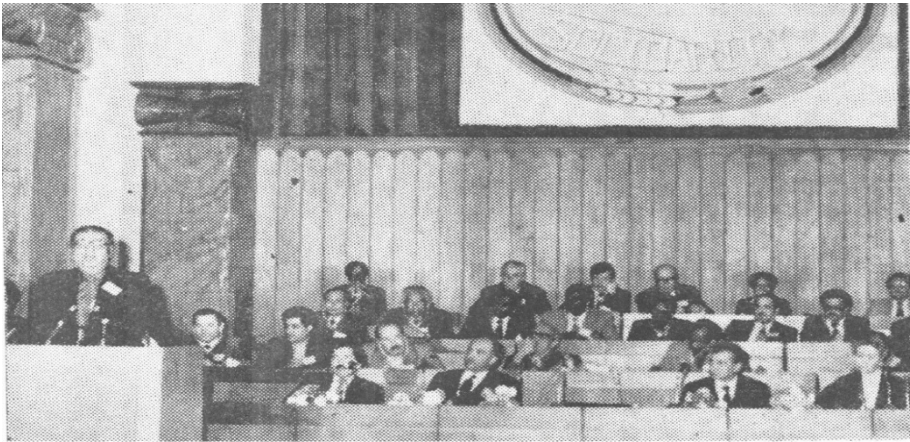
سومین پلنوم شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی در لیسه امانی در کابل

۲۱ اکتبر ۱۹۸۱



دهمین اجلاس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آفریقا - آسیا در کابل

۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



سخنرانی نوری عبدالرزاق رئیس سازمان همبستگی خلق‌های آفریقا - آسیا

در دهمین اجلاس هیئت رئیسه این سازمان در کابل ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



اختتام دهمین اجلاس هیئت‌رئیس سازمان همبستگی خلق‌های آفریقا - آسیا
در کابل ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱



مشایعت ببرک کارمل در سفر به بلغاریا ۱۵ دسامبر ۱۹۸۱



اولین کنفرانس حزبی شهر کابل ۱۸ فوریه ۱۹۸۲



ارائه پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مراسم روز زن

۷ مارس ۱۹۸۲



هشتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقر شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر گلخانه ۱۱ مارس ۱۹۸۲



کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در جمنازیوم انستیتوت پولی تخنیک شهر کابل ۱۴ مارس ۱۹۸۲



کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در جمنازیوم انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۴ مارس ۱۹۸۲

رفیق "نور" ریاست جلسه دوم کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جمنازیوم انستیتوت پولی‌تخنیک شهر "کابل" در ۱۴ مارس ۱۹۸۲ را به عهده می‌گیرد.

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دوصدو چهل ویک

۳ حمل ۱۳۶۱

۲۳ مارچ ۱۹۸۲

بیانیه

در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۴ حوت ۱۳۶۰

۱۵ مارچ ۱۹۸۲



رفقا، نمایندگان محترم!

کنفرانس سرتاسری حزب که بررسی و تصویب برنامه عمل در آن مقام خاصی را در فعالیت انقلابی حزب دموکراتیک خلق افغانستان احراز کرده بمثابه حادثه برجسته در تکامل حزب، جامعه و دولت ما درج تاریخ خواهد گردید.

گزارش رفیق بیرک کارمل به کنفرانس و برنامه عمل راه‌های درخشان ونجیبانه رشد و تکامل هر چه بیشتر، ترقی انقلابی، تحولات تنظیم‌شده اجتماعی، اقتصادی، تحکیم سیستم سیاسی جامعه و خود حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مثابه پیش‌آهنگ شناخته‌شده آن همه‌جانبه به اثبات رسانیده و توضیح مینماید.

قوانین و نورم‌های که حزب بر شالوده آن استوار است و اشکال سازمانی که بر مبنای آن فعالیت مینماید همیشه از شرایط تاریخی مشخص، از مضمون مبارزه انقلابی و فعالیت سازنده حزب بوجود می‌آیند، حزب پیشرو انقلابی می‌آموزد و پراتیک احزاب انقلابی حاکم تایید مینماید که همیشه زمانی که در برابر حزب مسایل پرمسئولیت جدید عرض‌اندام میکند حزب باید آن اشکال سازمانی قواعد و نورم‌های حیات درونی خویش را مطرح نماید که تامین‌کننده حل مسایلی باشد که در برابر آن قرار می‌گیرد.

اکنون که در برابر حزب، وظایف پراهمیت سیاسی در زمینه تحقق عملی برنامه عمل قرار گرفته است، حل‌وفصل مسایل مطروحه ضروری مستلزم افزایش هر چه بیشتر نقش رهبری‌کننده و جهت‌دهنده حزب در جامعه و دولت میباشد. بدین ارتباط اهمیت قانون اساسی حیات حزب یعنی اساسنامه آن افزایش می‌یابد. بدین مناسبت تمام آنچه که حزب در ساختار تشکیلاتی خود به آن نایل گردیده و آنچه را که زندگی و پراتیک فعالیت ما و وظایفی که در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان فورمول‌بندی گردیده و در برابر حزب قرار میدهد بطور شایسته و کامل در آن انعکاس یابد.

از زمان تصویب اساسنامه موجود در دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان تقریباً دو سال می‌گذرد.

درین مرحله کوتاه زندگی درون‌حزبی، فعالیت حزب مطابق باین اساسنامه عیار گردیده و امکانات نیل به پیروزی‌های معین در تحکیم سازمانی، رشد و تکامل هر چه بیشتر دموکراسی درون‌حزبی و بسط و توسعه روابط حزب دموکراتیک خلق افغانستان با توده‌های زحمتکش را فراهم آورده است.

در طی این سال‌ها هزاران عضو جدید اصلی و آزمایشی به صفوف حزب پیوسته‌اند و تعداد مجموعی آنها تقریباً یک‌ونیم مرتبه افزایش یافته و تقریباً به شصت‌وسه هزار نفر رسیده است.

امروز حزب عبارت از سازمان متشکل با ساختار تشکیلاتی منظم در مرکز و محلات می‌باشد، در ولایات لوی ولسوالی‌ها، شهرها، نواحی، ولسوالی‌ها و علاقاری‌ها، سازمان‌های حزبی، منطوقی و در جزواتام‌های اردو، ثارندوی و خاد، ریاست‌های امور سیاسی و شعبات سیاسی ایجاد گردیده‌اند. شبکه سازمان‌های اولیه حزبی در موسسات، ادارات و سازمان‌ها با سرعت افزایش می‌یابد. تعداد مجموعی سازمان‌های اولیه حزبی در طی این سال‌ها به بیش از یک‌هزار و ششصد واحد رشد نموده است.

ما طی این مدت به بسیار چیزها نایل گردیدیم و مسایل زیادی را آموختیم، مگر زندگی و وضع در کشور از ما تقاضای بیشتر دارد. در واقعیت امر حزب دموکراتیک خلق افغانستان توأم با کسب قدرت مسوولیت بس بزرگ تاریخی و سیاسی را بعهده گرفته است. حزب به صورت کل و هر عضو حزب به صورت انفرادی باید رسالت عالی خود را با مسوولیت خویش هم‌آهنگ سازد و این به مفهوم آنست که برای ما در تمام عرصه‌ها، در عقاید و نظریات، گفتار و عمل، در مناسبات درون‌حزبی و برخورد در برابر تمام فعالیت‌های عملی وحدت بیشتر ضرورت است.

هکذا برای ما انضباط و تشکل عالی امریست مسلم. از آن جا که حزب سرمشق و نمونه انضباط آگاهانه و تشکل عالی می‌باشد و از آن جا که

حزب این مطلب را به ارگان‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی توده‌یی می‌آموزاند، لذا بدون انضباط عالی، حزب واقعاً رهبری‌کننده، نمیتواند وجود داشته باشد. ولی همگان این مطلب را عمیقاً درک ننموده و از آن، به صورت پیگیر پیروی نمی‌نمایند. باید برای هر عضو حزب تحکیم وحدت حزب، استحکام روابط آن با توده‌ها و بر مبنای آن رشد و تکامل و تعمیق انقلاب بمثابه قانون تلقی گردد.

اعضای حزب نباید پاسیف، غیرفعال، بی‌پشتکار و سهل‌انگار باشند. بدین منظور باید در اساسنامه ارتقای عمومی تقاضا نسبت به کار و فعالیت اعضای حزب و اجرای وظایف حزبی انعکاس یابد و اهمیت و مسؤولیت اعضای اصلی و آزمایشی حزب ارتقا یابد.

آنچه گفته آمد مستلزم آن گردید تا پلینوم هفتم کمیته مرکزی مصوبه‌یی در مورد داخل‌ساختن موضوعی تحت عنوان (راجع به تعدیلات و تکمیلات در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان) را در اجندای کنفرانس سرتاسری حزب به تصویب رساند.

بعضی پیشنهادات درین زمینه در جلسات و کنفرانس‌های حزبی که قبل از کنفرانس سرتاسری بوقوع پیوسته ارائه گردید. همچنان پیشنهادات زیادی در مورد تعدیل و تکمیل قسمی در اساسنامه از جانب اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، منشی‌ها و سایر کارمندان کمیته‌های حزبی و فعالین حزبی از شعبات سیاسی اردو، ثارندوی و خاد، رهبران سازمان‌های اجتماعی به کمیته مرکزی موصلت نمود.

به صورت عموم، این پیشنهادات در جهت ارتقای نقش و مسؤولیت اعضای حزب، بهترساختن ترکیب اجتماعی آن، تحکیم وحدت صفوف و انضباط حزبی، تامین ارتقای فعالیت و ابتکارات سازمان‌های حزبی بوده است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان درین پیشنهادات توجه جدی اعضای اصلی و آزمایشی حزب ما را در ارتقای نقش حزب در جامعه در

مورد تقویت روابط آن با توده‌ها مشاهده مینماید.

قبل از همه درباره تعریف حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

بجای تعریف مختصر حزب ضرورت توضیح بیشتر درباره حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اهداف و وظایف آن در مرحله کنونی آماده شده است. بدین ارتباط مفید است پاراگراف اول مقدمه اساسنامه تعدیل گردد. در آن پیشنهاد میگردد تا تعریف وسیعتر حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمتابه حزب طراز نوین، عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی و نیروی رهبری‌کننده و جهت‌دهنده جامعه ما که بر اساس اتحاد داوطلبانه نمایندگان پیشرو، آگاه، کارگران، دهقانان، منسوبین قوای مسلح، روشنفکران، پیشه‌وران، کوچیان و سایر زحمتکشان و وطن‌پرستان وطن‌محبوب ما استوار میباشد، ارائه گردد.

لازم به تذکر است که هدف حزب دموکراتیک خلق افغانستان عبارت از ساختمان جامعه فارغ از بهره‌کشی انسان از انسان که تامین‌کننده ارتقای دایمی سطح عالی زندگی مادی و معنوی مردم بر پایه رشد سریع نیروهای مولده کشور است، می‌باشد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطر نیل باین اهداف، نجیبانه پیوسته پیکار نموده و به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

همچنان پیشنهاد میگردد تا انقلاب ملی، دموکراتیک ثور که به اراده مردم و تحت رهبری حزب رژیم ضد مردمی را سرنگون نمود و قدرت زحمتکشان را در کشور ما مستقر ساخت به مثابه پیروزی تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یابد.

در مقدمه باید بطور خاص خاطر نشان گردد که قانون خدشه‌ناپذیر زندگی پرتحرک حزب دموکراتیک خلق افغانستان همانا وحدت ایدئولوژیک و سازمانی، یکپارچگی رزمجویانه صفوف و رعایت انضباط آگاهانه میباشد. هر نوع مظاهر فرکسیون‌ی و قومی با حزبیت و با بودن در حزب سازگار نیست.

در اخیر این بخش باید علاوه گردد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان نه

بطور مجزا بلکه در صف واحد با جنبش بین‌المللی کارگری و مترقی که حزب ما جزء ترکیبی این جنبش‌ها می‌باشد، عمل مینماید.

بدین ترتیب مقدمه اساسنامه تعریف کامل و گسترده حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ارائه کرده و وظایف، اهداف و جهات اساسی فعالیت آنرا در مرحله کنونی انقلاب نشان میدهد.

برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان که پیش‌آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است مساله بهبود ترکیب اجتماعی حزب بمثابة مساله عمده رشد و تکامل و تحکیم هر چه بیشتر آن همیشه موجود بوده و باقی خواهد ماند.

حزب در طی سال‌های اخیر به منظور رشد صفوف خویش از جمله بهترین نمایندگان مردم و قبل از همه کارگران و دهاقین کارهای زیادی را انجام داده است. سهم آنها در میان اعضای آزمایشی حزب که امسال به حزب پذیرفته شده‌اند سی و هشت فیصد را تشکیل میدهد که بمراتب نسبت به سالهای گذشته بیشتر است، ولی تا هنوز در ترکیب حزب صفوف مربوط به کارگران و دهقانان بطور غیرکافی باقی مانده است. بدین سبب قانونمند است که اکثریت رفقا پیشنهاد نموده‌اند شرایط پذیرش به عضویت اصلی و آزمایشی حزب برای کارگران، دهقانان و همچنان سربازان اردو، ثاندوی و خاد که قبل از شمولیت به خدمت مکلفیت عسکری، کارگرو یا دهقان بوده‌اند تغییر نماید.

ماهیت پیشنهادات عبارات از آنست که برای این کتگوری‌ها میعاد دوره عضویت آزمایشی تعداد معرفی‌کنندگان و سابقه عضویت معرفی‌کنندگان نسبت به سایر گروپ‌های اجتماعی کمتر باشد.

تعداد معرفی‌کنندگان برای آنها تا دو نفر کاهش یابد. به اعضای حزبی که دارای سابقه حزبی دوسال باشند نه سه سال، صلاحیت معرفی کارگران، دهقانان و سربازانی که قبل از شمولیت به خدمت مکلفیت عسکری کارگر یا دهقان بوده‌اند ارائه گردد.

برای این کتگوری دوره عضویت آزمایشی شش‌ماهه تعیین گردد.

تحقق عملی این پیشنهادات شرایط بمراتب بهترین را برای گرایش سریع کارگران و دهقانان به حزب مساعد میسازد. این بدون شک به ترکیب اجتماعی حزب تاثیر مثبت وارد کرده، تاثیر آنرا در بین مردم تشدید نموده و روابط آنرا با توده‌ها استحکام می‌بخشد.

پسران و دختران تا سن بیست‌سالگی از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب پذیرفته شوند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان را بمثابة نیروی ذخیره رزمنده و کمک‌کننده مطمئن حزب ارزیابی نموده و می‌نماید. پسران و دختران در سازمان‌های سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان پختگی سیاسی، تجارب کار سازمانی و اجتماعی را کسب نموده احساس مسؤلیت و انضباط را رشد و تحکیم می‌بخشند. در اینجا آنها مکتب پرورش و تربیه مبارزان سیاسی به خاطر امر انقلاب را می‌گذرانند. آنها در تمام عرصه‌های تحولات انقلابی فعالانه شرکت ورزیده و در صفوف مقدم با ضدانقلاب بخاطر تحکیم قدرت مردمی پیکار نموده، در امر انکشاف نیروهای مولده سهم گرفته، تدابیر در زمینه امحای بیسوادی را تحقق بخشیده، آگاهی سیاسی خود را به روحیه تیوری علمی انقلابی، وطن‌پرستی و انترناسیونالیزم رشد و تکامل می‌دهند.

بدین ترتیب پذیرش جوانان تا سن بیست‌سالگی به حزب از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بخاطر بهبود ترکیب کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نظر گرفته شده است.

گروپ دیگر تعدیلات و تکمیلات مربوط به پرابلم‌های تکمیل حیات درون‌حزبی و ساختار تشکیلاتی حزب، افزایش نقش اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تحکیم انضباط حزبی میباشد.

طوری که پراتیک نشان میدهد بعضی از اعضای حزب ماهیت مرکزیت دموکراتیک را به صورت دقیق درک نکرده و مرتکب اعمالی می‌گردند که

مغایر نورم‌های حیات حزبی می‌باشد. بطور اخص در بعضی از جلسات حزبی در جریان تدارک کنفرانس سرتاسری حزب تلاش‌های صورت گرفت تا نظر شخصی خود را در برابر نظر جمعی قرار دهند و صحت تصامیم ارگان‌های مافوق حزبی را تحت شک و تردید قرار داده و از این تصامیم تبعیت نه‌نمایند.

در اینجا مسلماً مطلب نه تنها مربوط به عدم‌درک بوده، بلکه مربوط به آنست که عده قلیلی نظیر این رفقا تابعیت از انضباط حزبی را برای خود جدی ندانسته و برای آنها صرف نظر خودشان حایز اهمیت بوده و در حقیقت با استفاده از دموکراسی درون‌حزبی، استعمال اندیشه‌های شخصی و ذهنی و حتی دشمنان حزب گردیدند.

چنین اعمال و اندیشه‌ها به مفهوم عدم اعتقادِ راسخ به ایدئولوژی پنداشته‌شده و مسلماً به تمایلات فرکسیون و ضدوحدت حزبی خدمت مینماید.

البته در حزب ما آزادی کامل نظر تامین گردیده است، ولی قانون حیاتی آن عبارت از توامیت آزادی بحث، آزادی تبادل افکار با انضباط آهنین و تشریک‌مساعی در تحقق تصامیم اتخاذ شده میباشد.

تخطی از این قانون مجاز نبوده و هیچکس حق ندارد آنرا نقض نماید. تعمیل واقعی اصل مرکزیت دموکراتیک بدون تابعیت سازمان‌های مادون از ارگان‌های حزبی مافوق امکان‌پذیر نیست.

فعالیت سازمان‌های حزبی بدون رعایت این اصل زرین، از رهبری مرکزی واحد و هدف مشترک واحد محروم می‌گردد. ازینجاست که کمیته‌مرکزی ضرور می‌پندارد تا اصل تابعیت بلاقیدوشرط مقامات مادون از تصامیم مقامات مافوق به اساسنامه شامل گردد.

کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تکمیلیه‌یی در مورد افزایش وظایف اعضای حزب را خیلی مهم تلقی مینماید. اکنون زمانیکه حزب ما به حزب حاکم مبدل گردیده است فعالیت ایجادگرانه پی‌ریزی اساسات

اقتصادی جامعه نوین رشد و تکامل نیروهای مولده کشور، ایجاد پایه‌های مادی برای ارتقای سطح رفاه مردم افغانستان مسایل حایز اهمیت جدیست. اعضای اصلی و آزمایشی حزب باید در حل و فصل این مسائل فعالانه سهم بگیرند. بدین لحاظ پیشنهاد می‌گردد تا در جمله وظایف عضو حزب بر ضرورت برخورد صادقانه به وظایف تولیدی و دولتی، ارتقاء و رشد بهره‌دهی کار بوسیله آنها، شرکت فعالانه در رشد و تکامل تولید اجتماعی اشاره گردد. بر علاوه بهتر است تا وظایف اعضای حزب با تسلسل منطقی جدی‌تر افاده گردد.

رفقا!

یکی از وظایف اساسی و عمده کار سازمانی حزب، ارگان‌های محلی و سازمان‌های اولیه آن عبارت از تعیین و جابجاساختن کادرهای رهبری‌کننده، تربیه آنها با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور، وطن‌پرستی و مسوولیت عالی در برابر حزب و مردم بخاطر وظیفه محوله می‌باشد.

به نظر ما در اساسنامه کنونی تمام شرایط ضروری عضویت به حزب انعکاس یافته است.

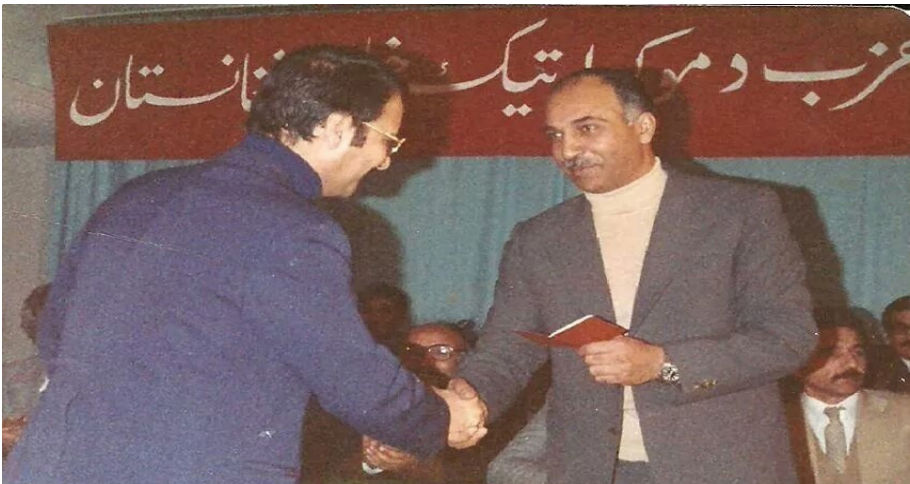
این شرایط عبارت از آنست که برای شمولیت به حزب، رسیدن به سن معین، شرکت فعال در کار یکی از سازمان‌های حزبی، تعمیل فیصله‌ها و تصامیم حزب، پرداخت حق‌العضویت حزبی، قبولی برنامه و اساسنامه حزب و آنچه که دارای اهمیت خاص است شرکت حتمی فعالانه در تحقق عملی آنها می‌باشد. این مطلب معنی آن را دارد: کسیکه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان شامل می‌گردد موظف است تا بخاطر آزادی و منافع مردم مبارزه نموده از وطن محبوب‌مان دلیرانه و شجاعانه دفاع نماید و با دشمنان انقلاب، حزب و مردم زحمتکش، آشتی‌ناپذیر باشد. مجموع تمام موازین اساسنامه حزب بیانگر آنست که حزب دموکراتیک خلق افغانستان تنها به اشخاصی اجازه ورود به صفوف حزب را میدهد، که شایسته، آگاه، صادق

و وفادار باشند.

متن جدید اساسنامه که امروز تصویب آن در برابر ما قرار دارد برای تحکیم رشد و تکامل هر چه بیشتر حزب جوان ما اهمیت بس بزرگی را دارا مییاشد. ما باید به کمک آن نقش رهبری‌کننده و جهت‌دهنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در جامعه تا اندازه زیاد ارتقای دهیم و وحدت حزب را طوری تقویت نموده و استحکام بخشیم تا بتواند مردم دلیر و نجیب افغانستان محبوب‌مان را به آن اهداف درخشان که توسط برنامه‌عمل طرح گردیده، بصورت موفقانه سوق دهد.



اداء احترام در آرامگاه شهداء ۱۶ مارس ۱۹۸۲



توزيع کارت‌های عضویت حزبی ۱۷ مارس ۱۹۸۲



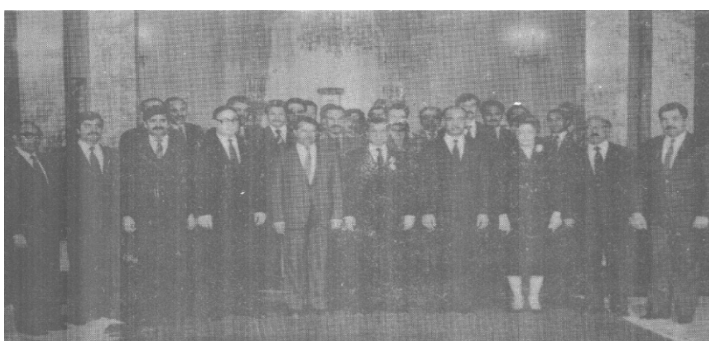
نصب نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" بر سینه بیرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲



اعطاء نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" به بیرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲



پس از اعطاء نشان عالی دولتی "خورشید آزادی" به بیرک کارمل

۲۵ آوریل ۱۹۸۲

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره دوصدو پنجاهوشش

دوشنبه

۶ ثور ۱۳۶۱

۲۶ اپریل ۱۹۸۲

بیانیه

در مراسم اعطاء نشان "خورشید آزادی" به ببرک کارمل

۵ ثور ۱۳۶۱

۲۵ اپریل ۱۹۸۲

رفیق عزیز و ارجمند ببرک کارمل!

رفقای محترم بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیات رئیسه شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه نهایت پرافتخاری را بعهدہ من گذاشته اند تا بشما رفیق گرامی و عزیز ببرک کارمل نشان عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان (نشان خورشید آزادی) را تفویض کنم. انجام این وظیفه سرور و شادمانی فراوان را نصیب من می سازد.

اجازه دهید بدین مناسبت احساس گرم رفیقانه و احترام عمیق همه رفقا را بشما ابراز نمایم.

اعطای این نشان مظهر قدردانی بزرگ مردم افغانستان، حزب ما و دولت ما از خدمات برجسته انقلابی شما، از کار و پیکار طولانی و مبارزات پیگیر شما بخاطر سعادت و خوشبختی انسان جامعه ماست.

شما در کشور بمتابه وطن پرست پرشور، انترناسیونالست وفادار و مبارز خستگی ناپذیر بخاطر اعمار جامعه نوین شهرت دارید و مردم ما شما را به متابه کسیکه در سخت ترین شرایط مبارزه، آینده را به روشنی ترسیم نموده، در برابر دشمنان وطن و خلق آشتی ناپذیر و قاطع و در برابر زحمتکشان کشور و رفقا مهربان، پرعطوفت و بزرگواری هستید، می شناسند. مردم ما خاطرات تابناکی از مبارزات شما قبل از انقلاب ثور دارند و به نقش پرارزش شما در بنیان گذاری و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فراهم آوری زمینه های لازم ذهنی برای پیروزی انقلاب ثور ارج بزرگ قایل اند و به حق شما را بمتابه شخصیت صاحب نظر و نویسنده پر قدرت، طراح واقعی نظریه اتحاد نیروهای ملی و وطن پرست در چارچوب جبهه ملی پدروطن، بخاطر تحقق اهداف انقلاب ملی - دموکراتیک می شناسند. آثار و مقالات پربهای شما چه قبل و چه بعد از انقلاب ثور در جراند خلق و پرچم و نشرات حزبی و دولتی زمان بعد از انقلاب و کار خلاق تیوریکتان که مظهر درخشان آن اسناد دو سال اخیر حزب و به خصوص تصامیم و فیصله های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، منبع نیرومند الهام و آموزش اعضای حزب و زحمتکشان کشور است.

هم اکنون شما در راس حزب و دولت انقلابی ما با فعالیت خستگی ناپذیرتان در جهت دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور اعمار جامعه نوین و عادلانه در کشور، تحکیم دوستی بین خلقهای افغانستان و سایر کشورها و انکشاف همه جانبه دوستی، همکاری و برادری با کشورهای جامعه سوسیالیستی و در راس اتحاد شوروی دوست بزرگ و وفادار ما، احترام عمیق همه نیروهای مترقی جهان را جلب نموده اید.

همه ما میدانیم که شما با صرف همه انرژی خود و با اعتقاد راسخ به اندیشه های پیشرو عصر ما بطور هدفمند بخاطر تحقق اهداف مطروحه حزب در راه سرکوب قطعی و کامل ضدانقلاب، استقرار صلح سراسری ملی و همگانی در کشور، محو عقب ماندگی، ارتقای سطح زندگی زحمتکشان،

اعتلای سطح اقتصاد ملی و تقویت اتحاد و برادری بین ملیت‌ها، اقوام و قبایل ساکن کشور مساعی فراوانی را بکار می‌برد.

سراسر زندگی آگاهانه و ارزشمند شما با نهضت انقلابی مردم افغانستان، با ایجاد قوام، استحکام و رشد حزب طراز نوین ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتباط گسست‌ناپذیر دارد و همیشه برای همه رقفا نمونه پراج وقف و خدمتگزاری به مردم و به امر سعادت و خوشبختی انسان زحمتکش است. کار خستگی‌ناپذیر شما متوجه تحقق اهداف و آرمان‌های بزرگ، شریفانه و انسانی حزب ماست.

ما یقین کامل داریم که حزب و دولت ما تحت رهبری موفقانه شما گام‌های استوار و نوین را بسوی پیروزی کامل اندیشه‌ها و آرمان‌های بزرگ انقلابی برمی‌دارد.

اعطای نشان خورشید آزادی بشما رفیق محترم ببرک کارمل که مقدم بر همه مستحق آن هستید نمونه حق‌شناسی و حادثه بزرگ در زندگی حزب، دولت و مردم ماست و اعضای حزب ما و زحمتکشان کشور را در راه فداکاری‌ها، جانبازی‌ها و پایمردی‌های نوین و بزرگتر بخاطر دفاع از دست‌آوردهای انقلاب و اعمار جامعه شکوفان، سربلند و آباد تشویق خواهد کرد.

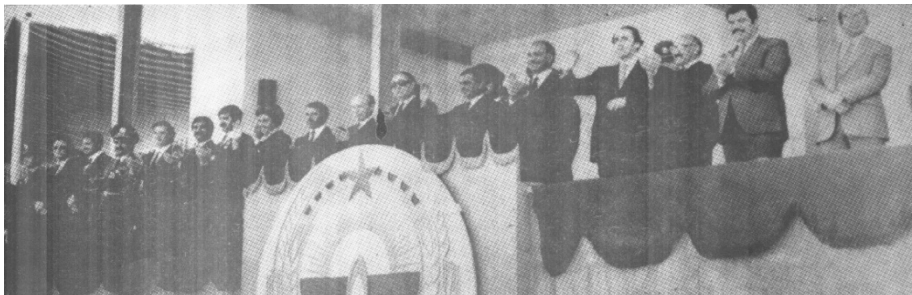
رفیق گرامی ببرک کارمل!

برای من جای مسرت فراوانیست که به نام مردم افغانستان و به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و از جانب خود، درین روز پرشکوه، به مناسبت اعطای نشان خورشید آزادی، صمیمانه‌ترین تبریکات و رفیقانه‌ترین آرزومندی‌ها را برای صحت کامل و طول عمرتان از ته دل ابراز میدارم.

اجازه دهید متن فرمان هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره اعطای نشان خورشید آزادی بشما قرائت گردد.



توزیع کارت‌های بریدجنرالی ۲۶ آوریل ۱۹۸۲



چهارمین سالروز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۲



جشن ورزشی به مناسبت چهارمین سالروز "۷ ثور" ۲۸ آوریل ۱۹۸۲



روز کارگر اول مه ۱۹۸۲

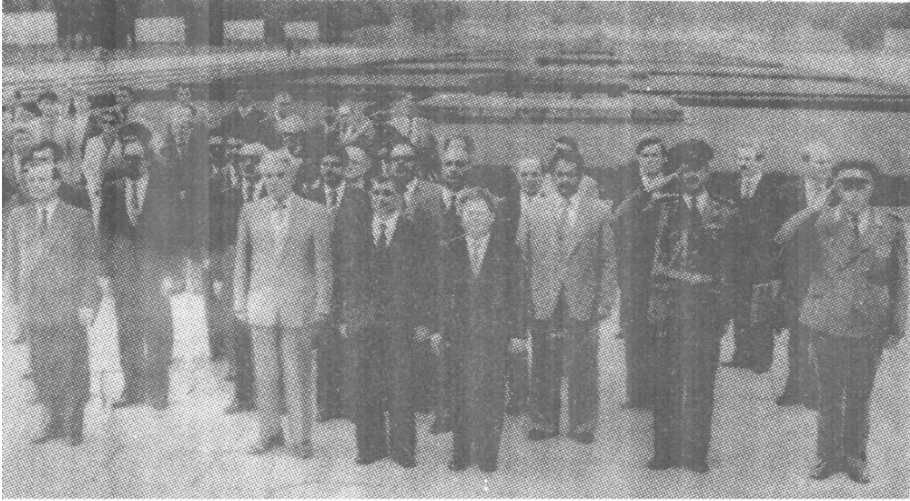


رفیق "نور" در هیئت همراه رئیس‌جمهور ببرک کارمل در ۱۸ مه ۱۹۸۲ جهت یک دیدار رسمی و دوستانه عازم برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان می‌شود.



توقف در فرودگاه تاشکند، پایتخت ازبکستان در سفر به

جمهوری دموکراتیک آلمان ۱۸ مه ۱۹۸۲



اداء احترام در محل يادبود قهرمانان شوروی در برلين ۲۱ مه ۱۹۸۲



مراسم امضاء قرارداد دوستی و همکاری میان

جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری دموکراتیک آلمان ۲۱ مه ۱۹۸۲



نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۷ ژوئیه ۱۹۸۲



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۲

جهت شرکت در مراسم تدفین «لیونید برژنف» صدر هیئت رئیسه شورای عالی شوروی، رفیق "نور" در ۱۴ نوامبر ۱۹۸۲ به همراه یک هیئت عالی رتبه حزبی - دولتی به ریاست «ببرک کارمل» عازم شوروی می‌شود.



مراسم تدفین لیونید برژنف صدر هیئت‌رئیسه شورای عالی شوروی

در مسکو ۱۵ نوامبر ۱۹۸۲



شصت‌ومین سال‌روز تاسیس اتحاد شوروی ۱۴ دسامبر ۱۹۸۲



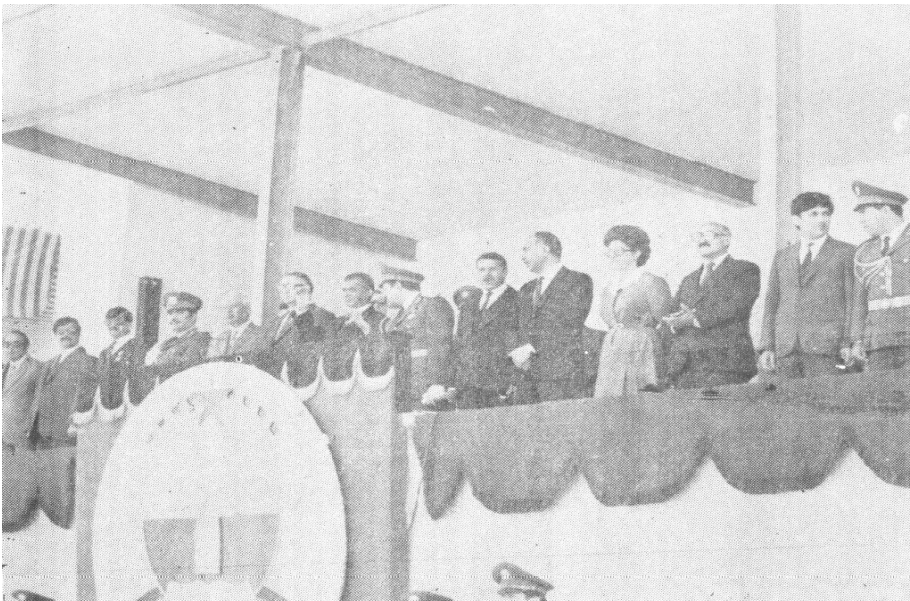
مشایعت ببرک کارمل در سفر به شوروی ۱۹ دسامبر ۱۹۸۲



مشایعت سلطان علی کشت‌مند در سفر به دهلی ۴ مارس ۱۹۸۳



در فابریکه خانهسازی کابل ۲۶ آوریل ۱۹۸۳



پنجمین سالروز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۳



روز کارگر اول مه ۱۹۸۳



سمینار والیان افغانستان ۲۶ ژوئن ۱۹۸۳



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۳



افتتاح ساحه‌ی ورزشی و تفریحی پیش‌آهنگان در مراسم سومین سالروز
ایجاد سازمان پیش‌آهنگان افغانستان ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۳



نصب مدال فداکاری به سینه‌ی یکی از سپاهیان انقلاب ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳



شصت و هشتمین سالروز پیروزی انقلاب اکتبر ۶ نوامبر ۱۹۸۳



جلسه بزرگ حزبی - دولتی ۲۹ نوامبر ۱۹۸۳

تبعید دوم

با اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان کاملن تحت حمایت شوروی قرار دارد و به این حمایت هم شدیدن نیازمند است، ولی رفیق "نور" همواره نظرات مخالف خود را در مقابل سران شوروی و یا مشاورین آن در افغانستان بیان می‌کند و این امر بل‌آخره منجر به این می‌شود که ریویزیونیست‌های حاکم بر شوروی در ماه ژانویه ۱۹۸۴ رفیق "نور" را به بهانه‌ی تحصیل در انستیتوت علوم اجتماعی شهر "مسکو"، نزدیک به دو سال از افغانستان دور کرده و در "مسکو" به حالت تبعید و تحت‌نظر نگاه دارند.

همین ریویزیونیست‌ها نیز سرانجام آخرین دست‌آوردهای سوسیالیسم در شوروی را به نابودی می‌کشانند و در این روند، قدرت سیاسی در افغانستان را به مجاهدین "شورای نظار" تحویل می‌دهند.

روزی از رفیق "نور" سوال کردم هنگامی که شما را اجبارن به "مسکو" انتقال می‌دادند، عکس‌العمل حزب و سائر رهبران حزب در مقابل این عمل چه بود؟

رفیق "نور" پاسخ داد که در روز عزیمت به شوروی، "ببرک کارمل" به من گفت: "نورجان، هیچ کاری برای ات کرده نمی‌تأم."

در ماه اکتبر ۱۹۸۵ دوران تبعید رفیق "نور" در "مسکو" به پایان می‌رسد و رفیق "نور" به افغانستان بازگشته و فعالیت‌های قبلی خود را ادامه می‌دهد و به همین دلیل نیز هیچ تصویری از رفیق "نور" در این دوره وجود ندارد.



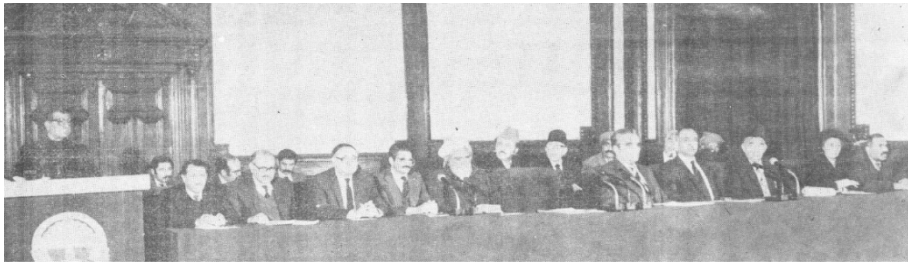
شصت و هشتمین سالروز انقلاب شوروی ۵ نوامبر ۱۹۸۵



جلسه فوق العاده و وسیع شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۹ نوامبر ۱۹۸۵

رفیق "نور" در اواخر سال ۱۹۸۵ رهبری عمومی شعبه اقتصاد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز به عهده می‌گیرد.



چهارمین جلسه فوق‌العاده شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

۱۶ ژانویه ۱۹۸۶





جلسه فعالین حزبی و دولتی درباره تحقق سیاست ارضی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان اول فوریه ۱۹۸۶



اختتام جلسه فعالین حزبی و دولتی درباره تحقق سیاست ارضی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۲ فوریه ۱۹۸۶



مشایعت ببرک کارمل و هیئت همراه در مسافرت به شوروی جهت شرکت

در کنگره ۲۷ حزب کمونیست شوروی ۲۳ فوریه ۱۹۸۶



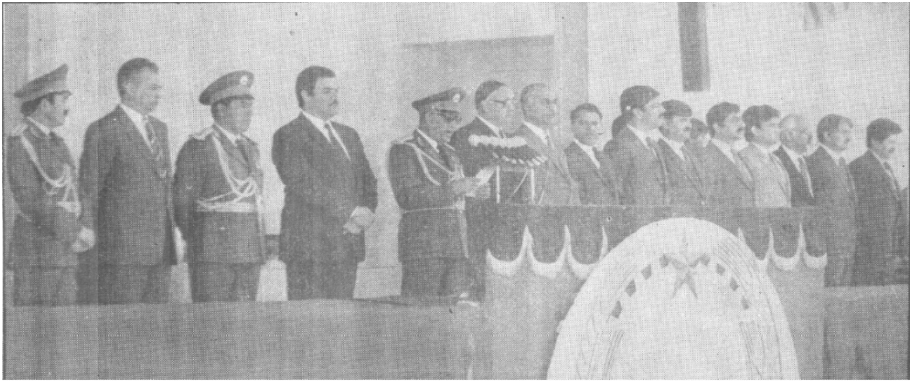
استقبال از ببرک کارمل در بازگشت از شوروی ۷ مارس ۱۹۸۶



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۹ مارس ۱۹۸۶



جرگه قبائل آزاد پښتون ۹ آوریل ۱۹۸۶





هشتمین سالروز "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۶





دهمین سالروز تاسیس سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۲۷ مه ۱۹۸۶



جشنواره ورزشی - نظامی جوانان کابل در گرامی داشت دهمین سالگرد

سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ۲۸ مه ۱۹۸۶



دیدار با هیئت کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی ۲۳ ژوئن ۱۹۸۶



نوزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶



مراسم درج تسلیت به مناسبت درگذشت لهدوان، دبیر اول کمیته مرکزی
حزب کمونیست ویتنام در محل سفارت ویتنام در کابل ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۶



چهاردهمین پلنوم کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

۴ اوت ۱۹۸۶



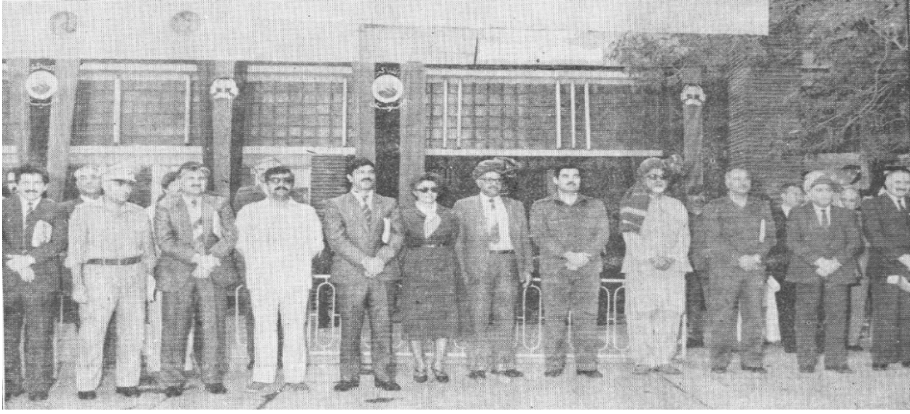
مراسم نماز عید قربان ۱۵ اوت ۱۹۸۶



گرامی داشت روز اردوی افغانستان ۱۷ اوت ۱۹۸۶

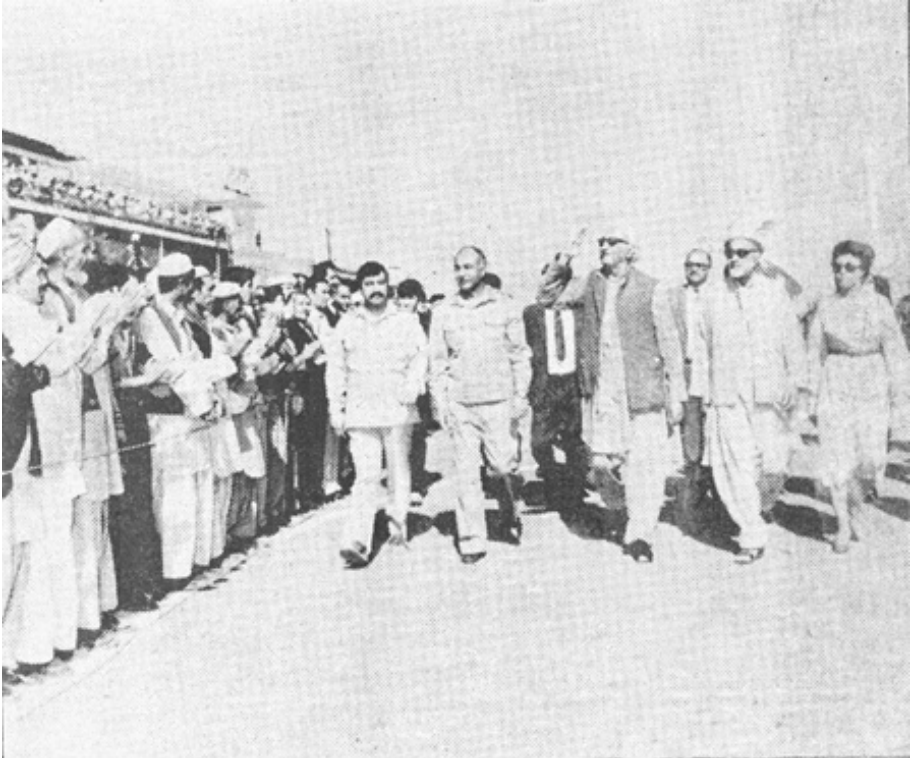


شصت و هفتمین سالروز استرداد استقلال افغانستان ۱۹ اوت ۱۹۸۶

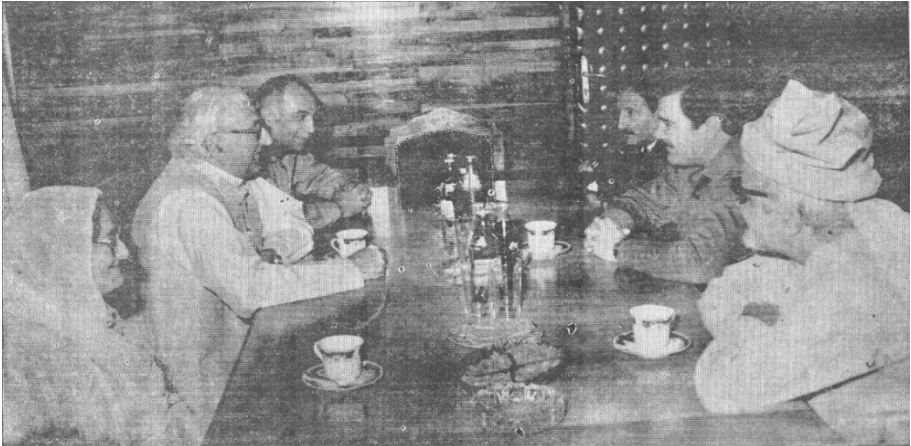


روز همبسته‌گی خلق‌های پشتون و بلوچ ۳۱ اوت ۱۹۸۶





استقبال عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان اول سپتامبر ۱۹۸۶



دیدار با عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان اول سپتامبر ۱۹۸۶



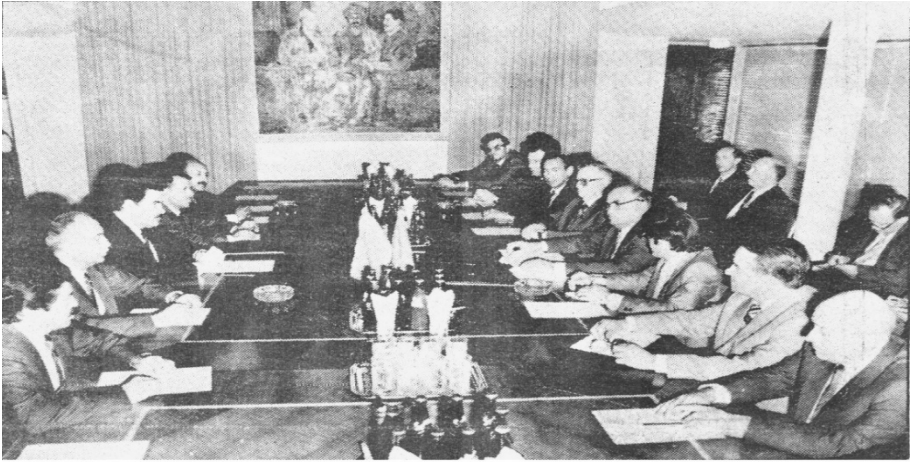
مراسم حمایت از تمدید مهلت یکجانبه توقف آزمایشات هسته‌ای

از سوی گرباچف ۸ سپتامبر ۱۹۸۶

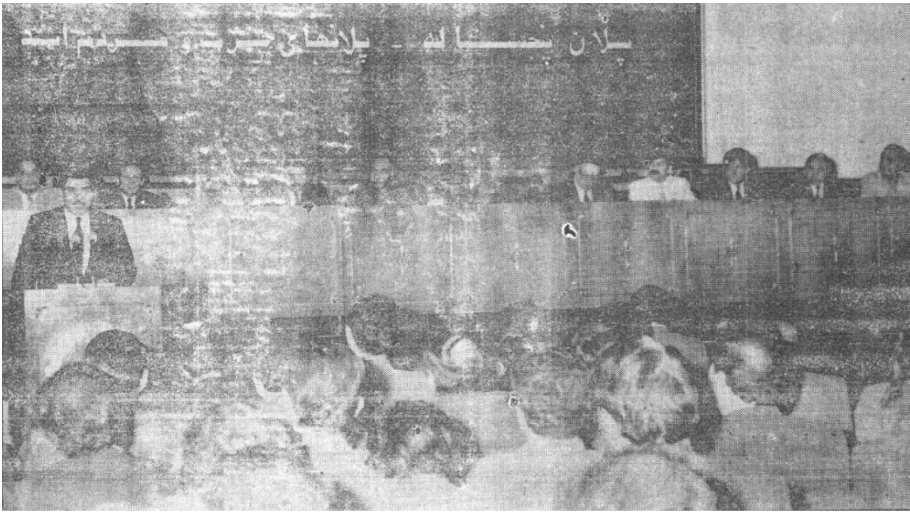


همراهی عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان در شهر جلال‌آباد

۱۲ سپتامبر ۱۹۸۶



دیدار با معاون اول رئیس شورای وزیران و هیئت نماینده‌گی شوروی در سفر به افغانستان جهت شرکت در ششمین جلسه کمیسیون دائمی بین‌الدول افغان - شوروی راجع به همکاری اقتصادی ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۶



کنفرانس علمی - پراتیکی ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۶



روز ثاراندوی ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶



روز ثاراندوی اول اکتبر ۱۹۸۶



دومین کنگره معلمان افغانستان ۷ اکتبر ۱۹۸۶



مراسم خروج نیروهای نظامی شوروی ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶



دیدار با هیئت عالی رتبه حزبی و دولتی جمهوری های آسیای میانه شوروی

۲۷ نوامبر ۱۹۸۶



دهمین سالگرد تاسیس آکادمی علوم طبی نیروهای مسلح افغانستان

اول دسامبر ۱۹۸۶



دیدار با هیئت عالی‌رتبه حزبی و دولتی جمهوری‌های آسیای میانه شوروی

۲ دسامبر ۱۹۸۶

به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست و هیئت‌رئیس‌ه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، رفیق "نور" در یک هیئت عالی‌رتبه حزبی و دولتی به ریاست "محمد نجیب‌اله" دبیر اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶ عازم شوروی می‌شود.



استقبال در فرودگاه مسکو توسط ایگور لیگاجیف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶



فرودگاه مسکو ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶



اداء احترام در مقابل آرامگاه لنین ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶



دیدار با گریباچف و سائر سران شوروی ۱۲ دسامبر ۱۹۸۶



بازگشت از شوروی ۱۴ دسامبر ۱۹۸۶



استقبال عبدالولی خان رئیس حزب عوام ملی پاکستان ۲ ژانویه ۱۹۸۷



استقبال از وزیر امور خارجه شوروی ۵ ژانویه ۱۹۸۷



دیدار با وزیر امور خارجه شوروی ۵ ژانویه ۱۹۸۷



دومین کنگره جبهه ملی پدروطن ۱۴ ژانویه ۱۹۸۷



دومین کنگره اتحادیه‌های ژورنالیستان، نویسندگان و هنرمندان افغانستان

۱۵ مارس ۱۹۸۷

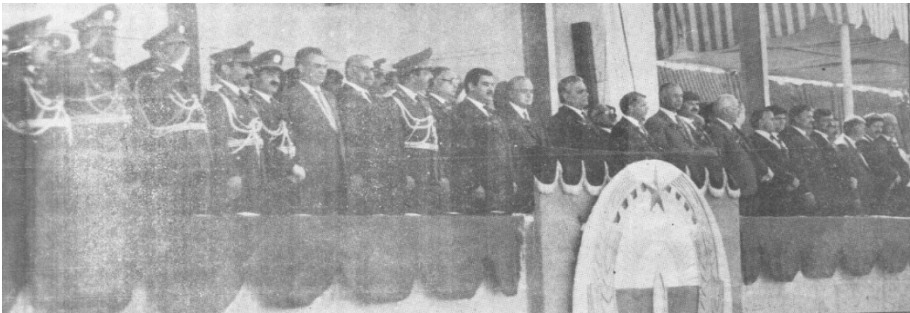


جشن دهقان ۲۷ مارس ۱۹۸۷



نخستین کنفرانس سرتاسری متشبثین ملی بخش خصوصی افغانستان

۱۹ آوریل ۱۹۸۷



نهمین سالگرد "۷ ثور" ۲۷ آوریل ۱۹۸۷



کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک تحت عنوان "وسائل اطلاعات

جمعی و تحکیم اعتماد میان مردمان به خاطر

جهان فارغ از تشنج و سلاح‌های هسته‌ای" ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره هزار و هشتصد

شنبه

۶ سرطان ۱۳۶۶

۲۷ جون ۱۹۸۷

بیانیه

در جلسه‌ی اختتامیه‌ی کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک

در "میلمه پال هوتل" شهر "کابل"

۴ سرطان ۱۳۶۶

۲۵ جون ۱۹۸۷

دوستان عزیز!

مسرت دارم که شما را در این تالار ملاقات نموده و شادباش می‌گویم. شما بمثابه مبلغین آزادی و مبارزان به خاطر آینده بهتر و به پیروزی رساندن اصول بشردوستانه در هر روز کنفرانس تشویش‌تانرا به خاطر سرنوشت خلقها و سیاره ما ابراز نموده‌اید.

افغانها، ضرب‌المثل خردمندانه دارند که می‌گویند: "زمانیکه سعادت و نیرو با هم متحد میشوند، همه کارها سهل می‌گردد." یعنی پیروزی از آن شخصی است که همه نیروی خود را بخاطر حصول اهداف شریفانه به‌خرج دهد و این امر بزرگترین سعادت برای هر ژورنالیست صادق و واقعاً مترقی میباشد.

سه روز است که در این تالار کنفرانس ژورنالیستان کشورهای غیرمنسلک تحت عنوان (وسایل اطلاعات جمعی و تحکیم اعتماد میان مردمان بخاطر

جهان فارغ از تشنج و سلاح هستوی) جریان دارد.

در کار این کنفرانس نماینده‌گان سی‌وهفت کشور و تعدادی از سازمانهای بین‌المللی معتبر شرکت داشتند. امروز ما نتایج کار این گردهمایی را بررسی نمی‌نماییم. فکر میکنم که آنها زمانی کاملاً مشهود خواهند شد که شما به کشورهایتان برمی‌گردید و نظریات کنفرانس کابل را در صفحات روزنامه‌ها و مجلاتتان و در مقالات اجتماعی، سیاسی و ممکن در کتب نشر خواهید نمود. زیرا نیروی ذ‌خیروی ایجادگرانه شما همان‌گونه که از بیانات شما واضح شد، بسیار عظیم بوده و باید به صورت کل‌مورد استفاده قرار گیرد.

بدون ارزیابی نتایج کار کنفرانس هم‌زمان می‌خواهم تاکید نمایم که هر یک از سه روز کار ما، بسیار پر محتوا و فوق‌العاده مبرم بود. در این تالار ما مهمترین مسایل امروز و فردای خویش را نه تنها به صورت مجموعی بلکه به طور اخص نیز مورد بحث قرار دادیم، هم در بررسی و هم در تحلیل، همه پرابلم‌های مختلف ما وسعت‌نظر گسترده و بعضاً هم طرز دید جدید که نادر ولی در عین زمان برای حل مسایل حیاتی بشریت و حفظ زنده‌گی در سیاره‌ی زیبای نیلگون ما ضروری پنداشته می‌شود، ارائه نمودیم.

عمده‌ترین مطلب آنست که ما همه با یک صدا اظهار نمودیم که جنگ هستوی نمی‌تواند الترناتیف صلح باشد، بدین لحاظ برای همه ژورنالیستان مترقی لازم است تا با تشریک مساعی در جهت توزیع این حقیقت مهم بر اختلاف‌نظرها و بعضاً برخوردهای متفاوت و علاقمندی‌های گذرا فایق آیند.

ما از هر کدام شما به صورت جداگانه و خاص به خاطر درک و پشتیبانی‌تان از سیاست مصالحه ملی اظهار سپاس می‌نماییم. این پروسه پیچیده خواهان زمان و تحمل می‌باشد، بخاطر پختگی و ثمره خوب آن زمان لازم است، اما آنچه که دولت و حزب ما در این مدت انجام داده است و آن نتایجی که شما با آن آشنایی حاصل نمودید به فکر من شما را معتقد به آن می‌سازد که

مصالحه ملی پاسخ‌گوی هر کلام و روحیه قرآن عظیم‌النشان بوده و عمده‌ترین مسأله یعنی رفاه هر افغان، تأمین صلح را در خاک آبایی ما که بواسطه شعله‌های جنگ‌ها سوخته و آغشته بخون است به بار می‌آورد.

کنفرانس ما نصف راه خود را طی نموده است اکنون همه امکانات در اختیار شما قرار داده شد تا شما بتوانید کتاب باستانی و جالب معاصر را بنام افغانستان مطالعه نمایید. در صفحات این کتاب ملاقات‌های دلچسپ با مردم کشور ما انتظار شما را دارد و شما از فابریکه‌ها و مؤسسات صنایع خصوصی دیدن نموده و با محک اساسی زنده‌گی در شرق، بازارها و دکان‌های ما، لیسه‌ها و پوهنتون، آشنا خواهید شد. در هر صفحه این کتاب شما متیقن به این امر خواهید شد که اساسی‌ترین مطلب برای ما صلح است. صفحات زیاد این کتاب تا کنون تکمیل نگردیده است.

اما ما حتماً آنرا با کار میهن‌پرستانه و قهرمانانه تکمیل خواهیم نمود.

کنفرانس کنونی ما بیانات شما و افکاری را که شما سخاوتمندانه با ما در میان گذاشتید برای ما زیاد مفید و آموزنده می‌باشد. برای ما نهایت خوشایند بود که شما مصالحه ملی را نه تنها کلید حل مسایل در کشور ما بلکه در همه قاره آسیا تلقی می‌نمایید.

بنمایندگی از بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رفقا نجیب و کشتمند بخاطر بیانات، اندیشه‌ها و پیشنهاداتتان از شما ابراز سپاس نموده و برای هر کدامتان صحت، سعادت و پیروزی‌های جدید ایجادگرانه آرزو مینمایم.



دومین اجلاس کمیسیون عالی مصالحہ ملی ۲۷ ژوئن ۱۹۸۷



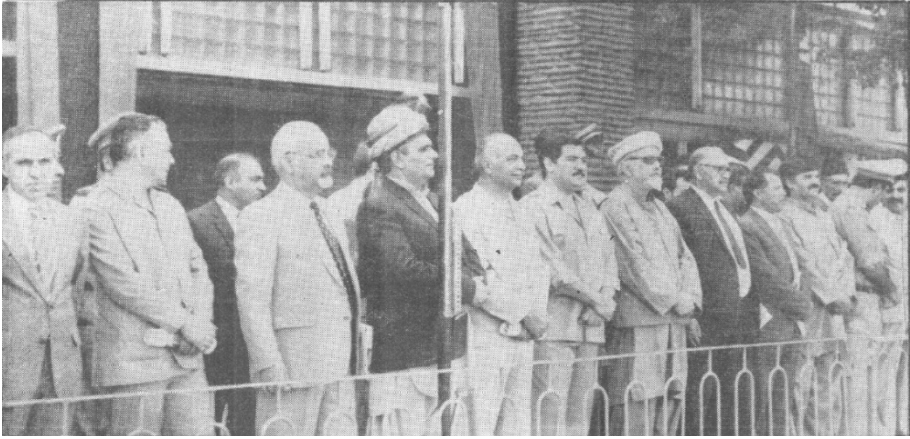
مراسم نماز عید قربان ۴ اوت ۱۹۸۷



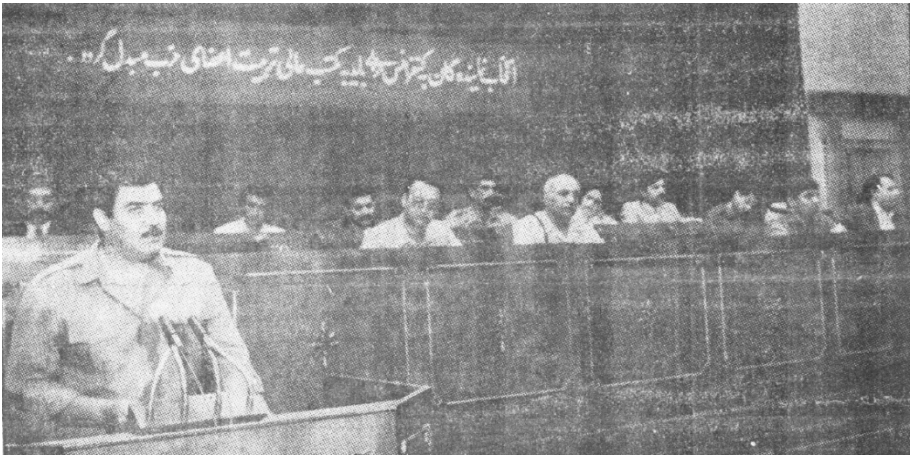
استقبال از محمدنجیب‌اله در بازگشت از شوروی ۱۰ اوت ۱۹۸۷



چهلین سالروز آزادی ہند ۱۳ اوت ۱۹۸۷



روز همبسته‌گی خلق‌های پشتون و بلوچ ۳۱ اوت ۱۹۸۷



جلسه سازمان اولیه حزبی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷



نخستین جرگه سراسری ملیت هزاره در انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل

۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷

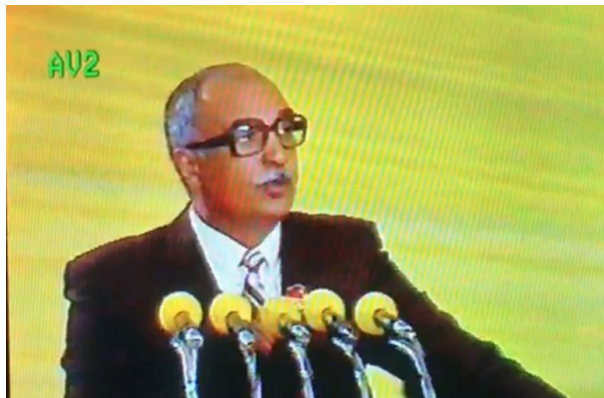
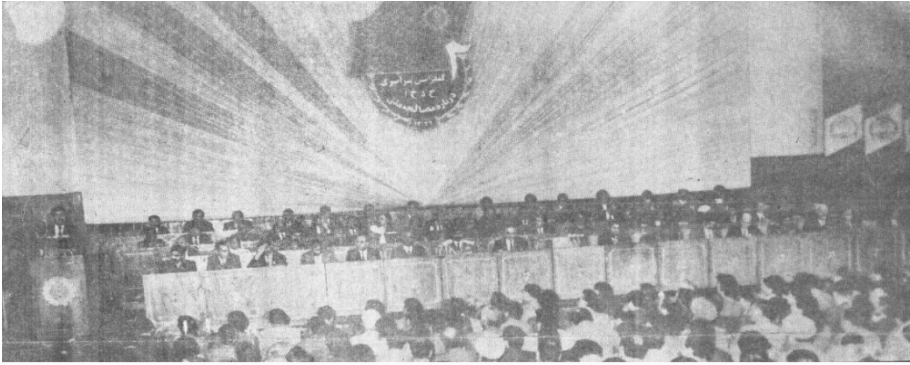


دومین کنفرانس سازمان حزبی شهر کابل در انستیتوت علوم اجتماعی

شهر کابل ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷



جلسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۷



دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در انستیتوت پولی تخنیک شهر کابل ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷



دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در انستیتوت پولی‌تخنیک شهر کابل ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷



هفتادمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر شوروی ۲۷ اکتبر ۱۹۸۷



جلسه نوبتی کمیسیون پیش نویس قانون اساسی

جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۸ اکتبر ۱۹۸۷



جلسه هیئت‌رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

در مقر شورای انقلابی در قصر گل‌خانه ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷



جلسه لویه‌جرگه جهت تصویب طرح قانون اساسی جدید افغانستان

و تعیین رئیس‌جمهور افغانستان ۲۹ نوامبر ۱۹۸۷



جشن پیروزی نظامی شهر خوست در میدان انقلاب شهر کابل

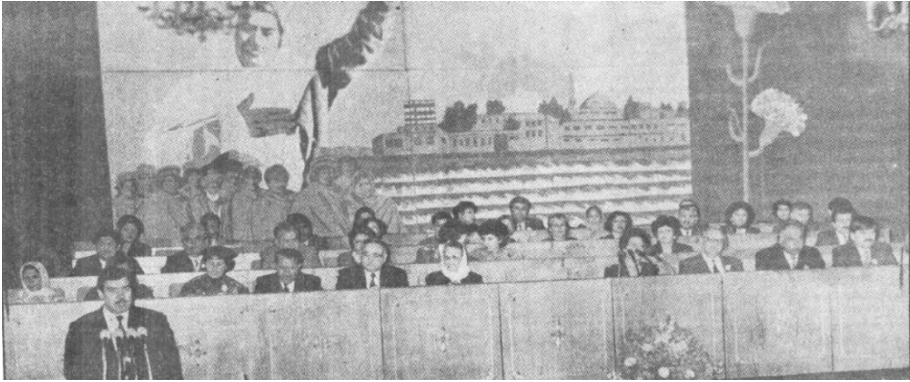
۱۸ ژانویه ۱۹۸۸

تبعید سوم

به خاطر خصوصیت عدم سازشکاری و عدم سکوت در مقابل مواضع انحرافی سائر رهبران حزبی و دولتی، رفیق "نور" در زمان ریاست جمهوری "نجیب‌اله" نیز به تبعید اعزام می‌شود.

با این که رفیق "نور" یکی از رهبران موثر افغانستان است ولی همواره به عنوان سفیر، به خارج از افغانستان اعزام می‌گردد و از جامعه و مردمش دور نگه داشته می‌شود.

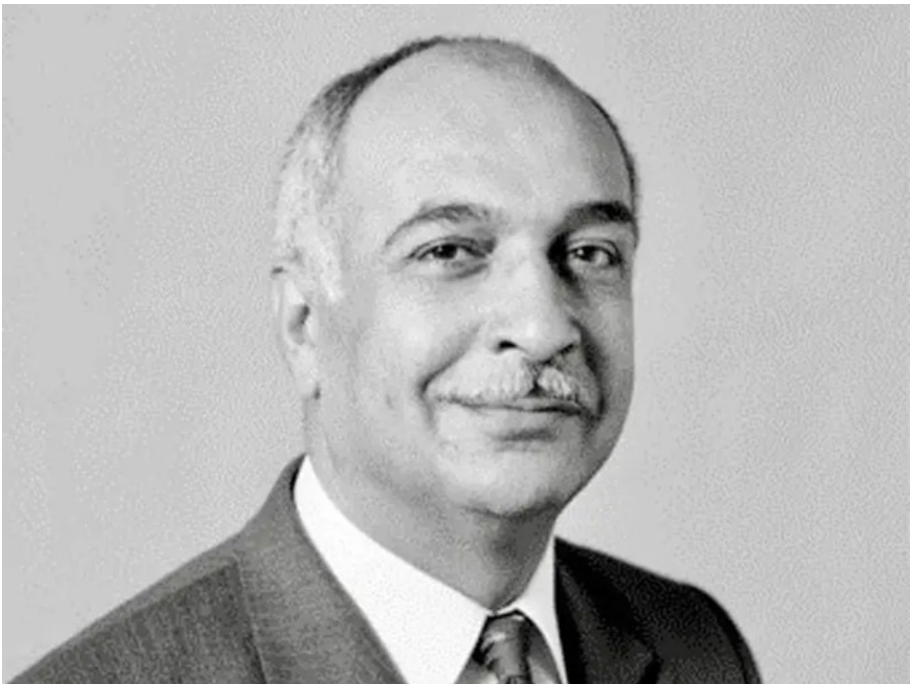
رفیق "نور" در ماه فوریه ۱۹۸۸ به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در لهستان منصوب می‌شود.



روز زن ۸ مارس ۱۹۸۸

رفیق "نور" در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ عازم لهستان می‌شود و تا ماه ژوئیه ۱۹۸۹ به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در لهستان به انجام وظیفه می‌پردازد.

سپس در ماه اوت همین سال به عنوان سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در "سازمان ملل متحد" تعیین می‌شود.





دیدار با دبیر کل سازمان ملل متحد

در این مرحله، حزب حاکم بر افغانستان، یعنی "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" طی کنگره‌ی دوم خود در ۲۷ و ۲۸ ژوئن ۱۹۹۰ به "حزب وطن" تغییر نام می‌دهد و رفیق "نور" به عضویت هیئت اجرایی شورای مرکزی "حزب وطن" منصوب می‌شود. اما با این حال، رفیق "نور" را تا ماه دسامبر ۱۹۹۰ همچنان به عنوان سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در "سازمان ملل متحد" در خارج از افغانستان نگه می‌دارند و سپس وی را در ماه ژانویه ۱۹۹۱ سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در کوبا منصوب می‌سازند.

در ماه نوامبر ۱۹۹۱ دولت روسیه از حمایت "حزب" و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان کاملن دست می‌کشد و تصمیم می‌گیرد افغانستان را به "شورای نظار" تحویل بدهد و این جای‌گزینی در ۸ آوریل ۱۹۹۲ صورت می‌گیرد. اما رفیق "نور" تا ماه ژوئن ۱۹۹۲ در مقام خود، یعنی سفیرکبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در کوبا باقی می‌ماند و در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ به "مسکو" می‌رود.

روزی در مورد تحولات افغانستان در دوران جابه‌جائی قدرت، از رفیق "نور" سوال کردم که شما در این زمان هنوز عضو هیئت اجراییه‌ی شورای مرکزی "حزب وطن" هستید، آیا در مورد مذاکراتی که رهبران حزب و دولت با "گلبدین حکمت‌یار" و "احمدشاه مسعود" جهت انتقال قدرت انجام می‌دادند، از شما هم نظرخواهی می‌شد؟ و رفیق "نور" پاسخ داد: "ابن! من از طریق دوستان‌ام مطلع می‌شدم ولی هیچ‌گاه به‌طور رسمی مورد نظرخواهی تشکیلاتی قرار نگرفتم."

مهاجرت

سرانجام رفیق "نور" در ۸ سپتامبر ۱۹۹۴ به همراه خانواده‌اش وارد هلند می‌شود و در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۴ از دولت هلند تقاضای پناهنده‌گی می‌کند و در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۵ اجازه اقامت در هلند را می‌گیرد. اما در این جا نیز دولت امپریالیستی هلند وی را آسوده نمی‌گذارد.

وزارت دادگستری هلند از ماه دسامبر ۱۹۹۸ رفیق "نور" را مورد مصاحبه‌های متعدد قرار می‌دهد تا این که در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۰ اجازه اقامت در هلند را از وی پس می‌گیرد و همه‌ی این‌ها به این بهانه انجام می‌گیرد که رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان نقض حقوق بشر کرده است و رفیق "نور" هم به عنوان یکی از رهبران اصلی این رژیم، در این نقض حقوق بشر سهیم بوده است.



اولین بار به هم راه خواهرش فهیمه پوپل و بهمن آرام

دادستانی دولت هلند با تشکیل یک تیم مخصوص، از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴، تحقیقات وسیعی را در سراسر جهان جهت یافتن "سند جرم" علیه رفیق "نور" انجام می‌دهد و سرانجام در ۶ آوریل ۲۰۰۵ با ارسال نامه‌ای، زیوانانه اعتراف می‌کند که هیچ "سند"ی دال بر محکومیت "نوراحمد نور" یافت نشده است، اما وی باید هلند را ترک کند و رفیق "نور" پاسخ می‌دهد که من به هلند آمده‌ام و از هلند هم خارج نخواهم شد و خارج هم نشد!



۵ فوریه ۲۰۰۶

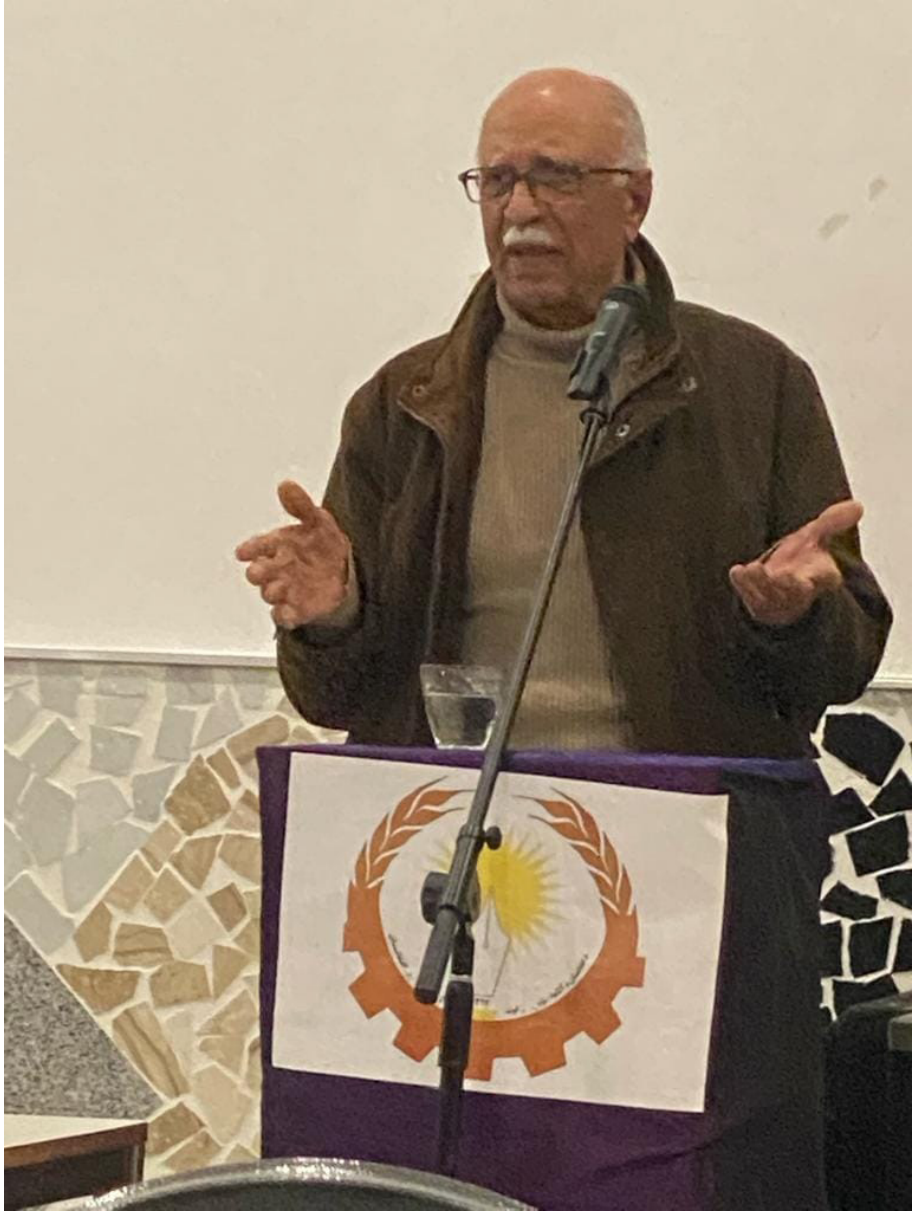


به هم راه مادرش اول ژانویه ۲۰۱۳





۲۱ اوت ۲۰۱۹





مصاحبه با سایت اصالت ۲۶ آوریل ۲۰۲۱



اول ژانویه ۲۰۲۳



اول ژانویه ۲۰۲۳

رفیق "نور احمد نور" با تعهد کامل در دفاع از محرومان جامعه‌ی افغانستان، تا آخرین روزهای زنده‌گی‌اش، در کنار سائر هم‌زمان‌اش، با صداقت کامل و خسته‌گی‌ناپذیر، به‌طور سازمان‌یافته و تشکیلاتی به دفاع از منافع توده‌های زجرکشیده‌ی افغانستان می‌پردازد و در شام‌گاه ۵ ژانویه ۲۰۲۴ فوت می‌کند و در ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴ در **Uitvaartcentrum De Nieuwe Ooster** در شهر "آمستردام" پایتخت کشور هلند به خاک سپرده می‌شود.



به‌طور کلی، مواضع و عمل‌کردهای سیاسی – طبقاتی رفیق "نوراحمد نور"، وی را کاملن از سائر هم‌زمان‌اش متمایز می‌سازد و همه‌ی این‌ها، شخصیتی برتر را در تاریخ معاصر افغانستان پدیدار می‌سازد که، نه این که کم‌نظیر است، بلکه بی‌نظیر است.

ستاره‌ی نام رفیق "نوراحمد نور" در اوج آسمان جنبش انقلابی افغانستان تا ابد خواهد درخشید و یاد وی در ذهن و قلب انقلابیون افغانستان جاودانه خواهد ماند.



